

فضای سبیرنتیک به مثابه فضای شهری: مطالعه موردی شهر تهران

ناصر فکوهی*

مهرداد میردامادی**

چکیده

ویژگی‌های ارتباط از طریق رایانه و امکاناتی که شبکه اینترنت برای ایجاد این ارتباطات فراهم می‌آورد از یک سو و افزایش روزافزون کاربران این شبکه و جذابیت برقراری این نوع ارتباط از سوی دیگر، همگی نشانه‌های پیدایش صورت‌بندی جدیدی از تعاملات اجتماعی به شمار می‌آیند. فضای سبیرنتیک که به واسطه ایجاد این ارتباطات شکل می‌گیرد، کارکردهایی دارد که به نظر می‌رسد دربرخی از آن‌ها هم‌چون ایجاد امکان تماس و رابطه با دیگری با کارکردهای فضای شهری هم پوشانی داشته باشند.

روابط بین‌فردی و ماهیت فرهنگی روابط اجتماعی در فضای سبیرنتیک، عمدتاً در قالب مطالعات انسان‌شناسی سبیرنتیک مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است. نظر به توسعه و فراگیر شدن امکان برقراری این گونه جدید ارتباط اجتماعی و بهره‌گیری روزافزون از آن در نزد کاربران اینترنت در شهرها و به خصوص در شهر تهران، مطالعه و بررسی آن امری ضروری و لازم به نظر می‌رسد. با توجه به این امر، مقاله حاضر در پی بررسی مؤلفه‌ها و پیشینه‌های فرهنگی-اجتماعی برخی کاربران اینترنت در شهر تهران و مطالعه دلائل روی آوردن آنان به این ارتباط جدید اجتماعی است. در این مقاله تلاش شده است با تکیه بر چارچوب نظری برگرفته از نظریه شهری لوفبور و مفاهیم همانندنمایی و بازنمود لیوتار و با استفاده از روش‌های انسان‌شناسی فضای مجازی اینترنت، فضاهای شهری با توجه به خاستگاه‌های اجتماعی کاربران مورد تحلیل قرارگیرد.

یافته‌های فضای سبیرنتیک از نظر کاربران اینترنت در شهر تهران بدیل مناسبی برای فضای شهری در ایجاد و برقراری ارتباط اجتماعی است. عمده‌ترین دلایل ذکر شده از طرف این کاربران برای انتخاب خود عبارتند از: الف) محدودیت‌های موجود در فضای واقعی، ب) امکان بروز نظرات و عقایدی که می‌تواند در فضای واقعی پی‌آمدهایی در بر داشته باشد، پ) عدم نیاز به برنامه‌ریزی زمانی و سهل الوصول بودن امکان ارتباط در فضای مجازی، ت) آسان‌تر بودن یافتن نقاط مشترک و مسائل مورد علاقه در ارتباط‌های مجازی، ث) عدم نیاز به ایجاد روابط چهره به چهره برای به دست آوردن شناخت‌های اولیه.

کلید واژگان: بازنمود، تولید فضا، جماعت‌های مجازی، فضای سبیرنتیک، فضای شهری، فضای مجازی، فضای واقعی، همانندیابی.

* استادیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

** کارشناس ارشد انسان‌شناسی

مقدمه و طرح مسأله

گسترش روزافزون استفاده از شبکه جهانی اینترنت از جنبه‌های گوناگون قابل بررسی و مطالعه است. یکی از این جنبه‌ها امکان ایجاد ارتباط بین کاربران از طریق اینترنت است. ارتباط بین رایانه‌ها به وجود آورنده فضایی است که فضای سبیرنتیک نامیده می‌شود. این فضا نیز به مانند هر فضای دیگر از مؤلفه‌هایی تشکیل شده که فرایند تولید آن را موجب و در تکمیل و شکل‌گیری آن نقش دارد. بنابر نظریه لوفبور سه مؤلفه فضای طبیعی، ذهنی و اجتماعی برای شکل‌دهی به فضای زیستی و ارتباطی مناسب، ضروری است. فضای سبیرنتیک نیز به مثابه یک فضای ارتباطی از این قاعده مستثنی نیست. با این همه به نظر می‌رسد که مطالعه فضای سبیرنتیک روش‌ها و ظرایف مشخصی را می‌طلبد. فضای سبیرنتیک و تعاملات و ارتباطات صورت پذیرفته در آن در تحلیل نهایی یک نوع همانندیابی و بازنمود تعاملات و تجارب اجتماعی است که کاربران اینترنت در محیط واقعی خود تجربه کرده‌اند. از این رو مطالعه روابط انسانی در فضای سبیرنتیک نیازمند شناخت پیشینه فرهنگی اجتماعی و رویکرد کاربران نسبت به این فضا و امکانات آن، انتظارات آنان از ایجاد ارتباط در این فضا و ... می‌باشد. در عین حال از آنجایی که جماعت‌های مجازی شکل گرفته در این فضا انسجام خاص خود را، آن‌گونه که در کشورهای توسعه یافته به ویژه آمریکا و بریتانیا شاهد آن هستیم، در نزد کاربران اینترنت شهر تهران به دست نیاورده است، به نظر می‌رسد که چنین مطالعه‌ای باید در سطح فردی و ویژگی‌های فرهنگی - اجتماعی مربوط به افراد صورت پذیرد.

رایانه‌ها در سرتاسر جهان از طریق خطوط پرسرعت ارتباطی به یکدیگر متصل شده‌اند. پشت صفحه این رایانه‌ها افرادی از ملیت‌های مختلف، گروه‌های متنوع قومی و فرهنگی، طبقات متمایز اجتماعی و مشاغل مختلف، با باورهای مذهبی و سیاسی گوناگون، با شیوه‌های زندگی ناهمسان، از جنسیت‌های مختلف با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند. علیرغم این ارتباط و با هم بودن در یک فضا، این افراد به لحاظ گرایش‌ها، انتظارات، نگرانی‌ها، آنچه بدان علاقمندند و آنچه بدان تعلق خاطر ندارند، بسیار از یکدیگر متمایزند.

این افراد می‌توانند از طریق شبکه جهانی اینترنت به تبادل اطلاعات و آرا و نظرات بپردازند. این شکل جدید ارتباط در برگرفته هیجان‌ها و یأس‌های خاص خود است. بسیاری از افرادی که از طریق اینترنت با یکدیگر آشنا شده‌اند هیچ‌گاه در عالم واقع و در فضای واقعی یک‌دیگر را ندیده‌اند. این افراد اغلب از کسی که با وی در زمان‌های خاص و گاه منظم، ملاقات می‌کنند و یا به تبادل اطلاعات و آرا می‌پردازند، تنها تصویری در ذهن دارند و شناختی «چهره به چهره» ندارند.

افرادی که این‌گونه با یکدیگر ملاقات می‌کنند در فضا و جهانی بدین کار مبادرت می‌ورزند که تقریباً واقعی است. حیطه دیدار آنان حیطه‌ای اجتماعی متشکل از افرادی فاقد جسم است. این افراد در زمان مواجهه با یکدیگر و ایجاد ارتباط و گفتگو در فضای سبیرنتیک

جسم خود را پشت صفحه کلید جا می‌گذارند. حیطة این گونه دیدارها و ملاقات‌ها حیطة‌ای اجتماعی و چیزی «بیش از واقعیت» است.

افزون بر این، چنین ارتباطی بیش از هر چیز متأثر از فضایی است که این ارتباط در آن واقع می‌شود. شناخت این فضا به ما کمک می‌کند تا از نحوه ارتباط و رفتار افراد و نیز تأثیراتی که از این فضا می‌گیرند و تأثیراتی که به نوبه خود بر این فضا می‌گذارند آگاه شویم.

فضا در کنار عنصر زمان از مؤثرترین و شاخص‌ترین مواردی است که در تحقیقات اجتماعی بدان پرداخته می‌شود. فضای اجتماعی از جمله فضاهایی است که در کنار فضای طبیعی به واسطه دخالت و نقش انسان در آن پیوسته در حال دگرگونی و بازسازی است. چگونگی انجام این دگرگونی و شناخت ساز و کارهای آن و تعیین مختصات نمونه‌های جدید و بازسازی شده فضای اجتماعی و نیز مراحل شکل‌گیری این فضاهای جدید انگیزه بحث‌های نظری و تحقیقات میدانی زیادی در حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی بوده است. از این منظر فضای سبیرنتیک نوعی فضای جدید و در عین حال باز تولید شده از فضای اجتماعی محسوب می‌شود که به واسطه جدید بودن آن و امکانات رشد بسیار گسترده آن مطالعات خاص خود را می‌طلبد. در این حال انسان‌شناسی به طور عام و انسان‌شناسی شهری به طور خاص ارائه توصیفی اتنوگرافیک از فضای اجتماعی و فضای شهری و تأثیر متقابل و تعاملی این فضا و عامل انسانی را همواره مورد توجه قرار داده و دقت خاصی بدان مبذول داشته است.

در سطح یک شهر، فضای اجتماعی شکل مشخص‌تر و معین‌تری به خود می‌گیرد و در قالب فضای شهری خصوصیتی پیدا می‌کند که می‌توان این فضا را از فضاهای روستایی و سایر فضاها متمایز ساخت. فضای شهری در ابتدایی‌ترین شکل خود مکانی برای ملاقات و انجام تعامل است و چنانچه نتواند امکان این کارکرد حداقل را فراهم آورد، لاجرم دیگر به عنوان فضایی اجتماعی محسوب نمی‌شود. با معرفی و عرضه فضای سبیرنتیک و امکاناتی که این فضا به همراه می‌آورد، با گونه‌ای دیگر از فضای اجتماعی مواجه می‌شویم.

فضای سبیرنتیک به دلیل توان‌مندی و امکانات بالقوه خود در کشورهای توسعه یافته نقشی را به دست آورد که آن را به بدیل فضای شهری تبدیل کرد. پیش‌بینی اتاق بازرگانی اتحادیه اروپا در این مورد آن است که تا پایان سال ۲۰۰۴ بیش از نود درصد از تجارت انجام شده در این اتحادیه از طریق اینترنت انجام شود. تحقق چنین امری به این معناست که تعامل در فضای سبیرنتیک تا حد زیادی جایگزین تعاملات چهره به چهره در فضای واقعی شهری خواهد شد.

اما این شبکه در کشورهای در حال توسعه فضایی جدید و در حال شکل‌گیری است و از این رو چنین مطالعه‌ای از آن رو که می‌تواند روشن‌کننده خصوصیات و ویژگی‌های اجتماعی فرهنگی کاربران باشد اهمیت دارد. نگاه به این فضا با رویکرد انسان‌شناسی شهری علاوه بر ارائه شناختی از آن و مختصات ویژه‌اش می‌تواند نسبت آن فضا را با فضای شهری را نشان دهد. این نسبت از دو منظر قابل مطالعه است: الف) فضای پیشین یعنی فضای شهری که فر

پیش از ورود به فضای سیرنیتیک از آن استفاده می‌کرده؛ ب) فضای پسین، یعنی فضای شهری که پس از ورود فرد به فضای سیرنیتیک امکان استفاده یا تولید آن به وجود آمده است. در عین حال نشان دادن این‌که آیا فضای سیرنیتیک در وضعیت کنونی خود در شهر تهران توانسته اساساً کارکرد یک فضای شهری را داشته باشد یا نه و این‌که چنین کارکردی چه ویژگی‌هایی دارد و چه افرادی با چه خصوصاتی از این فضا به تعامل با دیگری می‌پردازند از جمله پرسش‌هایی هستند که می‌توان مطرح کرد.

فضای سیرنیتیک و فضای شهری

در مروری بر پیشینه تحقیق، در مورد فضای سیرنیتیک و فضای شهری لازم است که به صورت مجزا به هر یک از این دو مقوله بپردازیم. نوظهور بودن فضای سیرنیتیک و جدید بودن موضوع، سبب شده که علیرغم امکانات بالقوه این فضا چشم‌انداز آینده آن، نقش این فضا در به وجود آوردن زمینه‌های تعاملات اجتماعی و روابط فرهنگی، هنوز مطالعاتی منسجم و نظام‌مند در مورد آن به مثابه فضایی شهری به انجام نرسیده باشد. از این رو پرداختن به تحقیقاتی که در مورد این دو فضا صورت گرفته می‌تواند برخی از جنبه‌های مشترک بین آن دو را برای انجام تحقیقات آتی برجسته و روشن سازد.

فضای شهری برای مطالعات مربوط به شهرسازی و معماری شهری حائز اهمیت بوده است. از این جنبه فضای شهری و چگونگی مختصات آن نقشی تعیین کننده در تسهیل امور شهر و فراهم آوردن امکان زیست بهتر در شهر داشته است (Harvey 1985:23).

شناخت و بررسی امکانات فناورانه و روزآمدتر کردن روش‌ها برای ساخت فضای مناسب‌تر برای زندگی مدرن شهری از دیگر جنبه‌هایی بوده که بدان توجه شده و فضای شهری از این منظر مورد مطالعه قرار گرفته است (Soja 1996).

با این همه، توجه به ساختار فضای شهری و زندگی شهری و تأثیر آن بر تعاملات و رفتارهای انسانی چه به لحاظ محلی و چه از منظر بین فرهنگی و در عین حال توجه به توسعه و تحول نظام‌های شهری و فضاهای شکل گرفته درون آن به عنوان حیطه‌های سیاسی-اقتصادی و اجتماعی- فرهنگی از جمله موضوعاتی است که در انسان‌شناسی شهری بدان پرداخته می‌شود (Jamson 1991). در بررسی تحقیقات انجام یافته در حوزه انسان‌شناسی شهری و در پرداختن به موضوع فضا سه رویکرد متمایز را می‌توان از یک‌دیگر تمیز داد (Rostenberg & McDoonogh 1993):

۱) رویکرد زبان‌شناختی و مفهومی به فضای شهری (برای نمونه نگاه کنید به: Blom &

(Gumperz 1972):

۲) مطالعه ساخت‌های سیاسی فضای شهری و تحلیل‌های مکانی (به عنوان نمونه نگاه

کنید به: Leeds 1994):

۳) مطالعه اجتماعی و دیداری فضای شهری (به عنوان مثال مجموعه مطالعاتی که در دهه ۱۹۸۰ در آمریکا و بریتانیا صورت گرفته معطوف به این رویکرد بوده است، نگاه کنید به: Sanjek 1990):

۴) در ایران، مطالعات مربوط به فضای سبیرنتیک بیشتر به جنبه فناورانه آن و به بحث‌های سخت افزاری معطوف بوده است: زیرساختارهای لازم برای بسط و گسترش آن‌ها و موانع مربوطه و همچنین^۱ در مواردی نیز که به اینترنت به عنوان رسانه‌ای با تأثیرات فرهنگی، توجه شده بیشتر به نفوذ منفی و پی‌آمدهای مخرب آن و جنبه‌های مخاطره‌آمیز آن برای امنیت ملی اهمیت داده شده است (برای نمونه نگاه کنید به: «اینترنت و امنیت ملی»، پژوهش و سنجش شماره ۲۱ و ۲۲، ۱۳۷۹). از این رو در مرور ادبیات مربوط به فضای سبیرنتیک الزاماً به منابع غربی (به طور عمده آمریکایی و بریتانیایی) توجه داشته‌ایم و پیشینه تحقیق را در این دو کشور جستجو کرده‌ایم.

مطالعات مربوط به ارتباطات رایانه‌ای و ارتباط در فضای سبیرنتیک از بُعد اجتماعی، در مواجهه با مفهومی قرار می‌گیرد که آن را انعطاف‌پذیری تفسیری^۲ می‌خوانیم. بدین معنی که این ارتباطات می‌تواند برای گروه‌های مختلف و افراد مختلف معانی متفاوتی داشته باشد. استفاده افراد از فضای سبیرنتیک در طول زمان دستخوش تفسیر و باز تفسیر می‌شود (Croft, 1994 & Giordano & Lea) ویژگی‌های انعطاف‌پذیر و غیرمتمرکز بودن که لازمه آسیب‌ناپذیر ساختن اینترنت در بدو تأسیس آن، به عنوان نظامی اطلاعاتی در برابر خطر هسته‌ای شوروی پیشین بوده، باعث شده است محیطی بی‌نظم، که در آن افراد مختلف با ویژگی‌های بسیار متفاوت وجود دارند، شکل بگیرد. در عین حال منظور از انعطاف‌پذیری تفسیری این است که محققین نیز از زوایای بسیار متفاوت و با روش‌های مختلف به مطالعه اینترنت و فضای سبیرنتیک پرداخته‌اند. برای آن‌که تصویری از این تحقیقات ارائه شود تنها به مواردی که بدان امکان دسترسی بوده، اشاره می‌شود: مطالعات اتنوگرافیک مکان‌های مجازی نمونه‌ای از این تحقیقات است (Myers 1987, Baym 1992, Reid 1995).

اگرچه مقوله‌بندی تحقیقات انجام شده در این زمینه امری غیر ممکن به نظر می‌رسد اما می‌توان مشاهده کرد که محققین با گذشت زمان و گسترش امکانات فضای سبیرنتیک بیشتر به رویکردهایی که به ابعاد فرهنگی و نمادین معطوف‌اند روی آورده‌اند و بیش از پیش بدان توجه کرده‌اند (Mantovani 1996, McLaughlin 1997, Lea 1992, Jones 1995).

مفهوم انعطاف‌پذیری تفسیری که می‌توان در این تحقیق نیز بدان متکی بود در تحقیقات پیشین مربوط به فضای سبیرنتیک مورد استفاده قرار گرفته و در واقع به عنوان برآوردی از

^۱ بهترین نمونه از این دست در پایگاه اطلاعاتی دانشگاه لیدز انگلستان: مقاله اینترنت در ایران از پیام شهشانی
Iran's Telcom and Internet Sector: A Comprehensive

^۲ interpretative reflexivity

مجموعه‌ای از روش‌های مطالعاتی، پایه دیدگاهی است که براساس ساختارگرایی اجتماعی بنا شده و نباید آن را صرفاً رویکردی به مطالعه فناوری در نظر گرفت زیرا نوعی شناخت‌شناسی است که در تقابل با تجربه‌گرایی منطقی^۲ و الزام به کارگیری آن در علوم اجتماعی قرار می‌گیرد.

اگرچه با نگاهی به پیشینه تحقیق در مورد فضای سیبرنتیک و نیز بر روی ارتباطات رایانه‌ای به این نکته واقف می‌شویم که این مطالعات بیشتر به تأثیر فناوری جدید ارتباطی مربوط می‌شده است، اما تفسیر ساختارگرایانه جماعت‌های مجازی راهی است برای مطالعه زندگی روزمره کاربران و ارتباط وضعیت اجتماعی آنان و تأثیر متقابل زندگی در فضای سیبرنتیک و فضای واقعی که در تحقیقات اخیر بدان پرداخته شده است. این امر تا به‌آنجا پیش رفته که تعامل در فضای سیبرنتیک شکل ساده شده تعاملات اجتماعی محسوب شده است. بنابراین از طریق درک تعامل اجتماعی در فضای سیبرنتیک می‌توان امیدوار بود که پیچیدگی تجربه اجتماعی روزمره‌مان را بهتر درک کنیم (Murray 1995: 94).

تلقی غالب از فضا در متون علوم اجتماعی بسیار مشابه تعریفی است که ممکن است از جا و مکان ارائه شود. به طور مثال گنورگ زیمل ضمن قائل نشدن جوهری مستقل برای فضا سه مشخصه برای آن ذکر می‌کند که بیشتر گویای نوعی تلقی صرفاً جغرافیایی و فیزیکی در نزد اوست:

۱- منحصر به فرد بودن فضا؛

۲- تحرک یا سکون اشیا موجود در فضا؛

۳- هم‌جواری یا فاصله کنش‌گران از یک‌دیگر و نیز از اشیا بی تحرک.

با این همه با پیدایش حوزه‌های جدیدی مانند تعامل‌گرایی نمادین، (روش‌شناسی فردگرایانه) و پدیدارشناسی اجتماعی تلقی از فضا جنبه انتزاعی‌تر پیدا کرد. در زندگی روزمره، زمینه کنش‌ها و اعمال عمدتاً تحت نفوذ گروه‌های مرجع است، محدوده این نفوذ فضایی را برای عمل اجتماعی و تفسیر آن به وجود می‌آورد (Garfinkel 1967: 118). آنچه در تحلیل فضای سیبرنتیک به مثابه فضای شهری حائز اهمیت است، نحوه شکل‌گیری و تولید فضا است. فضای سیبرنتیک فضایی جدید برای ارتباط افراد (کاربران رایانه) با یک‌دیگر است در عین حال این فضا از آن رو که حاصل یک فناوری است دارای جنبه انتخابی پر اهمیتی است؛ انتخابی که خود محصول یک نیاز فردی و اجتماعی است. لذا این دو فضا بنا به ماهیت خود باید از دو جنبه فیزیکی و ذهنی مورد توجه قرار گیرند. از این رو آنچه در این تحقیق می‌تواند بستری لازم برای طرح پرسش از اطلاع‌رسان‌ها و جمع‌آوری داده‌ها فراهم آورد، چارچوبی است که به واسطه آن نحوه شکل‌گیری و تولید فضا تبیین می‌شود. از طرف دیگر به وجود آمدن هر فضای جدید، معطوف به یک تجربه پیشین بوده و از الگوهای موجود پیروی

³ logical empiricist

می‌کند لذا علاوه بر روند تولید فضا همانند یابی فضای پیشین در ارائه تعریفی از فضای جدید نیز حائز اهمیت است.

فلسفه، مطالعات انسانی و علوم اجتماعی توجه خود را عمدتاً به فرآیندهای تاریخی و تکامل آن در طول زمان و جنبه‌های اجتماعی مرتبط با آن معطوف داشته‌اند. اما فیلسوف فرانسوی، هانری لوفبور با اهمیتی که برای فضا قائل شده است، تلاش می‌کند هستی را به واسطه یک سه گانگی شناخت شناختی و روش‌شناختی توضیح دهد. وی در شرح گونه‌شناسی فضا با نقد دوگانه‌انگاری سنتی، نقطه شروع خود را بسط رابطه سه وجهی بین ۱- فضای طبیعی، ۲- فضای ذهنی، ۳- فضای اجتماعی قرار می‌دهد (Lefebvre 1985).

مهم‌ترین نکته در نظریه لوفبور توجه به بعد فضایی پدیده اجتماعی است. در این‌جا فضا و شکل‌گیری آن حاصل رابطه سه‌گانه مزبور است. فضای طبیعی، عرصه جغرافیایی و تا حدودی مشخص است که افراد در آن استقرار یافته و امکان زندگی برای آنان فراهم می‌شود. گرد هم آمدن افراد و برآورده شدن نیازهای مختلف آنان در فضای جدید خود الزام تولید فضای جدیدی را فراهم می‌آورد که لوفبور آن را فضای اجتماعی می‌خواند. این فضای اجتماعی مسلماً تحت تأثیر فضای طبیعی است. یعنی خصوصیات فضای طبیعی در شکل‌گیری نحوه زندگی در فضای اجتماعی مؤثر است. زندگی در اقلیم‌های مختلف تأثیر انکارناپذیری بر نحوه زندگی داشته و در نتیجه این فضای طبیعی نقشی دیالکتیک در شکل‌گیری فضای ذهنی دارد. توجه به اعتقادات، اسطوره‌ها و نمادها بر حسب قرارگیری در فضای طبیعی خود می‌تواند نمونه‌ای از این تأثیر متقابل تلقی شود. پس در وهله اول فضای طبیعی تأثیری در خور اعتنا در تعریف و تحدید فضای اجتماعی و فضای ذهنی افراد دارد. فضای اجتماعی به نوبه خود جدای از تأثیرپذیری از فضای طبیعی به واسطه نیازهای معیشتی به ابزارهایی دست می‌یابد که به آن اجازه دخالت و تغییر در فضای طبیعی را می‌دهد. علاوه بر این، نیازهای اجتماعی پیوسته ضرورت بازسازی فعال زندگی به صورت تغییر در فضای طبیعی یا بهره‌گیری به صورت‌های جدید در آن را فراهم می‌آورد. از طرف دیگر، شیوه زندگی اجتماعی در شکل‌گیری فضای ذهنی تأثیر می‌گذارد و مختصات آن را تعیین می‌کند. نگاهی تاریخی به پدید آمدن افکار و آراء، نقش فضای اجتماعی در شکل‌گیری آنان را از این منظر برجسته می‌سازد. این امر می‌تواند تا بدان اندازه پیش رود که به قول برگر و لاکمن تعیین ویژگی‌های زندگی اجتماعی نقشی به سزا در تعیین حدود و چشم انداز فضای ذهنی، زبان و شناخت ایفا کند. (Berger & Luckmann 1987). حال اگر از بُعد سوم این مثلث به این رابطه نظر بیفکنیم، نقش فضای ذهنی در تغییرات اجتماعی و اثرگذاری اجتماعی از یک طرف و نیز تأثیر آن در نحوه نگرش به فضای طبیعی را می‌توانیم به شکلی برجسته مشاهده کنیم. از این جنبه، فضای ذهنی ضمن تأثیرپذیری از هر دو، از آن‌جایی که وجودی منفعل و پذیرا نیست، اثر خود را بر آن دو اعمال می‌کند.

برای یافتن یا ساختن یک تمامیت نظری از فضا لازم است بین اجزای آن که هر یک به تنهایی بازشناخته می‌شوند ارتباطی برقرار کرد. این اجزا از نظر هائری لوفبور عبارت‌اند از: فضای فیزیکی - طبیعت و کیهان؛ فضای ذهنی - از جمله انتزاع صوری و منطقی؛ و فضای اجتماعی.

اگرچه فضای اجتماعی محصولی برای مصرف و استفاده است، اما در عین حال وسیله‌ای برای تولید نیز هست، تولید رفتار، کنش، فکر و حتی تصورات. بنابراین می‌توان از نظر لوفبور در تحلیل مناسبات در فضای سبیرنتیک هم بهره گرفت. در این جا نیز با همان روابط سه‌گانه فضایی روبرو هستیم (سخت افزار به عنوان فضای طبیعی، ارتباطات رایانه‌ای به عنوان فضای اجتماعی، تولید نرم افزار برای برآوردن نیازهای ارتباطی و بالا بردن کارایی سخت افزاری به عنوان فضای ذهنی). به نظر می‌رسد تفاوتی که در تحلیل فضای سبیرنتیک وجود دارد در تأثیرپذیری انکارناپذیر آن از فضای اجتماعی و ذهنی فضای واقعی نهفته باشد.

با تدقیق در رابطه این دو نوع فضا (فضای واقعی و سبیرنتیک) و تأثیرگذاری آن دو بر هم با نوعی بازنمود و همانندیابی نیز مواجه می‌شویم. مأنوس بودن با الگوهای فضایی در فضای واقعی و نیز تعریف شدن مفاهیم مؤلفه‌های رفتاری در این فضا باعث می‌شوند که با قرار گرفتن در فضایی جدید و بدیع که مفاهیم و مؤلفه‌های آن در این نوع فضا نیز تعریف می‌شود، امکان برقراری ارتباط دو به دو، امکان رد و بدل کردن احساسات و عواطف، امکان خبردهی و خبرگیری و سرانجام امکان قرارگرفتن در یک مدار فرهنگی^۴ (به تعبیر استوارت هال ۱۹۹۱) برای رساندن پیام به وجود آمده و خواه‌ناخواه نوعی تداعی معانی و نوعی همانندیابی نیز ایجاد شود. بنابراین در فضای سبیرنتیک با نوعی فراواقعیت سرو کار داریم که در عین حال نقش عامل واقعی انسان در آن قابل اعتناست.

از این رو به نظر می‌رسد علاوه بر تحلیل چگونگی تولید فضای سبیرنتیک، که به واسطه روند تولید و فضائیت^۵، نظریه تولید فضای لوفبور در آن موضوعیت پیدا می‌کند، برای شناخت نیروهای اثرگذار در تولید این فضا و آنچه بدان شکلی ملموس می‌دهد به فرایند همانندیابی نیز باید توجه کرد.

اینترنت در وضعیت کنونی خود چیزی بیش از «یک شبکه جهانی» است. اینترنت فضا و حیطه‌ای مجازی را به وجود آورده است که در آن زندگی (به مفهوم اجتماعی آن) جریان دارد. ژان بودریار، شاید بیش از هر نظریه‌پرداز در روزگار ما، بتواند مسیر را در این حیطه فراواقعی ترسیم کند. اگر چه بودریار به روشنی در نوشته‌های خود چندان به شبکه جهانی و

^۴ cultural circuit

^۵ spatiality

اینترنت نپرداخته، نظر او در مورد ترکیب ارتباط از راه دور رایانه‌ای^۶ و ارتباط و تبادل اطلاعاتی، و تقد کلی‌تر او از مدرنیته می‌تواند به عنوان وسیله‌ای برای مطالعه خصوصیت مجازی اینترنت مورد استفاده قرار گیرد. یکی از جنبه‌های جالبی که می‌توان از کار بودریار وام گرفت استفاده از استعاره‌های جغرافیایی برای اینترنت است به واسطه مفهوم «شاهراه اطلاعاتی» مفاهیمی نظیر مسافرت، فاصله و سرعت معنا پیدا می‌کند.

از منظر بودریار این گونه صورت‌بندی اینترنت فضای نمادین بین استعاره و واقعیت را کم رنگ کرده و با ارائه همانندنمایی^۷ واقعی از جهانی ملموس و قابل درک واقعیت را به نفع فراواقعیت، به کنار می‌نهد.

از نظر بودریار روی گردانی از واقعیت به سود فراواقعیت زمانی اتفاق می‌افتد که بازنمود جای خود را به همانندیابی می‌دهد. بودریار هم جهت با بارت بر این نکته تاکید می‌کند که حرکت به راحتی به تجربه دیداری تبدیل می‌شود و راننده/نظاره‌گر به جای تعامل با جهان خارج وارد تعامل با تصاویر می‌شود (Baudrillard 1983). فضای سبیرنتیکی بر خلاف این تعامل که در صفحه (شیشه جلوی ماشین) واقع می‌شود، همانندیابی و رای صفحه را به منصفه ظهور می‌رساند.

اینترنت صرفاً ارتباط بین زندگی واقعی و رایانه، صرف نظر از فاصله بین آن دو نیست، بلکه به جای جهان و فضای فیزیکی و طبیعی آن، فضای همانندنمایی مخصوص به خود را آفریده و مناسبات ویژه‌ی خود را برقرار می‌سازد.

افزون بر این، زمانی که نظام اجتماعی امکان بروز تعاملات و روابط خاصی را نمی‌دهد، فضای سبیرنتیک به عنوان بدیلی برای آن مطرح می‌شود. زمانی که کارکرد نامناسبی در یک نظام بروز کند، قوانین حاکم بر آن نادیده گرفته می‌شود. اما زمانی که یک نظام، مفروضات بنیادین خود را نادیده بگیرد و اهداف خود را دست نیافتنی بیابد و یا آنان را گم کند، آن‌گاه نه با بحران که با زوال مواجه می‌شود. در این جاست که نیاز به تعامل، فضا و نظام جدیدی ظاهر می‌شود (Baudrillard 1993:32).

مفهوم بازنمود در نزد بودریار به معنی آفرینش واقعیت به واسطه الگوهای مفهومی و «اسطوره‌ای» است. الگوهایی که لزوماً هیچ ارتباطی با واقعیت و نیز خاستگاهی در آن ندارند. این الگوها به صورت عامل تعیین کننده در درک ما از واقعیت و عالم واقع در می‌آیند. نوع خانه، روابط، مد، هنر و موسیقی همگی به واسطه الگویی که از آن‌ها در رسانه‌ها و در نظام‌های ارتباطی ارائه می‌شود حالتی تحمیلی و دیکته شده پیدا می‌کنند. بدین ترتیب مرز بین تصور یا بازنمود (تقلید) و واقعیت از بین می‌رود. این امر جهانی از فراواقعیت را خلق می‌کند که در آن تمایز بین واقعی و غیر واقعی رنگ می‌بازد. تصورات فرهنگی حد و حدود بین

^۶ telematics

^۷ Simulation

واقعیت و اطلاعات، بین اطلاعات و سرگرمی، بین سرگرمی و سیاست را از بین می‌برند. توده‌ها تحت بمباران این تصورات (بازنمودها) و علائم (تشابهات) قرار می‌گیرند. این بازنمودها و تشابهات، آنان را به خرید کردن، رای دادن، کار کردن، تفریح کردن، ... ترغیب می‌کنند اما آن‌ها به تدریج دلسرد و ناامید می‌شوند، چرا که بازنمودها و تشابهات در نهایت ریشه‌ای در واقعیت پیدا نمی‌کنند، و بدین ترتیب حیطة اجتماعی مضمحل می‌شود. فرآیند اضمحلال اجتماعی به فرو ریختن مرزهای بین معنا، رسانه و امر اجتماعی منتهی می‌شود، تمایزی بین طبقات اجتماعی، گروه‌ها و احزاب سیاسی، شکل‌ها و الگوهای فرهنگی، رسانه‌ها و واقعیت دیده نمی‌شود. فرهنگ و جامعه به جریانی غیر تمایزگذار بین تصاویر، تصورات و نشانه‌ها تبدیل می‌شود.

ایترنت و ارتباط از راه دور و رایانه‌ای از نظر بودریار می‌تواند به دلیل امکاناتی که عرضه می‌کند عرصه این بازنمود و همانندیابی باشد (Baudrillard 1999).

پرسش‌ها و جامعه مورد مطالعه

مطالعه حاضر در پی آن است که پاسخی برای پرسش‌های زیر بیابد :

- ۱) فضای سبیرنتیک تا چه حد توانسته به عنوان بدیلی برای فضای شهری مورد استفاده کاربران ایترنت قرار بگیرد؟
- ۲) افرادی که از فضای سبیرنتیک استفاده می‌کنند از چه فضای پیشین شهری استفاده می‌کرده‌اند به عبارت دیگر فضای پیشینی که فضای سبیرنتیک جایگزین آن شده چه بوده است؟
- ۳) آیا فضای سبیرنتیک صرفاً یک فضای مجازی همانندیابی شده است و یا اینکه امکانات و توانمندی‌های خاص خود را دارد؟
- ۴) ویژگی‌های تعامل در فضای سبیرنتیک چیست؟
- ۵) آیا فضای سبیرنتیک مانند فضای شهری قابلیت بازسازی و در عین حال تکثیر و باز تولید دارد؟

۶) تعامل در فضای سبیرنتیک بالطبع پی آمدهایی در بر دارد، آیا این تعامل تأثیری بر فضای شهری دارد؟ به عبارت دیگر اگر فضای سبیرنتیک محل تعامل واقع شود، آیا خود به وجود آورنده فضای تعاملی دیگر (فضای پسین) خواهد شد؟

محدوده جغرافیایی این تحقیق شهر تهران و محدوده زمانی آن از دی ماه ۱۳۷۹ تا خردادماه ۱۳۸۰ بوده است. اطلاع رسانی این تحقیق مجموعه افرادی هستند که به هنگام مشاهده مشارکتی در فضای سبیرنتیک و جماعت‌های مجازی شرکت جسته و شناسایی شده‌اند. پس از آشنایی اولیه فرم پرسشنامه شماره یک برای افراد بسه آدرس پست الکترونیکی‌شان ارسال شد. از حدود ۱۷۱ نفری که فرم پرسش‌نامه برای آنان ارسال شد، تعداد ۳۴ نفر به پرسش‌نامه جواب دادند، ۱۴ نفر از دادن پاسخ امتناع کردند، ۱۲۲ نفر نیز به دلیل

نداشتن نرم افزار مربوطه قادر به پاسخ‌گویی به پرسش‌ها نبودند. لاجرم تک‌تک پرسش‌نامه‌ها در جماعت‌های مجازی مربوطه (اتاق‌های گپ زنی) یا از طریق پیام‌گیرها (Messengers) پر شد. در نتیجه در این مرحله ۱۵۶ پرسش‌نامه نهایی به دست آمد. از این رو در مرحله نخست تحقیق در جماعت‌های مجازی که متشکل از افراد ساکن تهران بود تعداد ۱۵۶ نفر که حاضر به شرکت در امر تحقیق و مشارکت در آن بودند شناسایی شده و اطلاعات اولیه از آنان به دست آمد. از میان این افراد ۳۰ نفر که حاضر به مصاحبه بودند و تمایل به انجام این کار داشتند انتخاب شدند، سپس در فضای واقعی (محل کار، فضاهای عمومی) با آنان مصاحبه به عمل آمد. از این رو جامعه مورد مطالعه این تحقیق مجموعه‌ای از گونه‌های شناسایی شده از کاربران اینترنت در شهر تهران هستند.

در مصاحبه حضوری پرسش‌نامه شماره دو مبنای پرسش‌ها بود. پرسش‌های به عمل آمده در این مصاحبه مشخص‌کننده فضای شهری مورد استفاده پرسش‌شونده، ویژگی‌های آن، فضای سبیرنتیک مورد استفاده، شباهت‌ها و تفاوت‌های آن با فضای شهری، شیوه زندگی پرسش‌شونده، تأثیر آن بر روی استفاده از اینترنت، و به طور متقابل تأثیر استفاده از اینترنت بر شیوه زندگی فرد پرسش‌شونده بود. بدین ترتیب به نظر می‌رسد که علی‌رغم نو بودن محیط تحقیق، روش‌های شناخته شده تحقیقی توانسته تصویری از محیط و افرادی که در آن شرکت می‌جویند و با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند، به دست دهد که با توجه به ترکیب آن‌ها، می‌توان آن را دارای تعمیم‌پذیری نسبی به کل شهر دانست. با این وصف باید توجه داشت که تعمیم‌پذیری در این مطالعه به هر دو در چارچوب مسائل عام و محدودیت‌های این مفهوم در انسان‌شناسی قرار گرفته و مطالعه حاضر بیشتر باید به مثابه مطالعه موردی در نظر گرفته شود.

یافته‌های تحقیق

همان‌گونه که گفته شد از تعداد ۱۷۱ نفری که برای انجام این تحقیق شناسایی شده و از آنان دعوت به عمل آمده در مجموع تعداد ۱۵۶ نفر حاضر به پر کردن پرسش‌نامه و یا پاسخ‌گویی به پرسش‌ها شدند. نسبت جنسی این تعداد در جدول شماره دو دیده می‌شود. به نظر می‌رسد همان‌گونه که بندیکت می‌گوید: "زنان در فضای تارنما (شبکه) بیشتر از مردان تمایل به انجام کارهای جدی داشته و زودتر تمایل به مشارکت در ایجاد ارتباط کلامی پیدا می‌کند" (Benedikt 1991: 17) در سایر تحقیقات که به فضای سبیرنتیک به عنوان فضای فرهنگی توجه داشته‌اند نیز این موضوع مورد توجه قرار گرفته و دلایل زیر برای آن ارائه شده است (به عنوان مثال نگاه کنید به Le 1992: 17, Jones, 1995: 32 McLaughlin 1997: g):

الف) ارتباط کلامی و استفاده از زبان در حال حاضر اساسی‌ترین وسیله ارتباطی بر روی اینترنت است. به نظر می‌رسد در صورت انتخاب زبان مناسب برای برقراری ارتباط، زنان اعتماد بیشتری به پرسش‌گر می‌کنند.

ب) لازمه ارتباط کلامی نوعی صبوری و پشتکار است و به نظر می‌رسد زنان برای این امر قابلیت‌های مناسب‌تری داشته باشند.

ج) در تحقیقات فوق و بخصوص در (Jones 1995) بر این نکته تاکید شده که به واسطه نوع رویکرد زنان به فضای سبیرنتیک که در برگرفته نوعی نگرش از پیش تعریف شده و مشخص است که بر مبنای آن، پیش‌فرض آنان استفاده از آن به عنوان وسیله‌ای برای کسب اطلاعات و تبادل آرا و نظرات است و در مجموع ارتباط در فضای تارنما را جدی‌تر از مردان تلقی می‌کنند (Ibid: 36).

علاوه بر موارد فوق در این تحقیق روشن شد که به واسطه امکان ارائه یکسان نظرات و آرا برای همه در فضای تارنما، صرف‌نظر از جنسیت افراد و هویت آنان، طبیعی به نظر می‌رسد که کسانی از این امر بیشتر استقبال کرده و در امر تبادل اطلاعات شرکت می‌کنند که در فضای واقعی فرصت و موقعیت کمتری برای انجام این مهم دارند.

طیف سنی افرادی که در این تحقیق مشارکت کرده و برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های پرسش‌نامه شماره یک اعلام آمادگی نمودند، از هجده تا چهل و پنج سال را در بر می‌گرفت. ذکر این نکته نیز حائز اهمیت است که همه این افراد در جماعت‌های مجازی عمومی شرکت داشته و در چنین فضایی از آنان برای مشارکت در امر تحقیق دعوت به عمل آمد. از این رو می‌توان مدعی شد که این طیف سنی بیشتر در فضاهای عمومی مجازی شرکت کرده و در آن اقدام به برقراری ارتباط می‌کنند.

از ویژگی‌های جامعه آماری مورد مطالعه می‌توان به بالا بودن میزان تحصیلات و از این رو قابل اطمینان بودن نحوه ارتباط و تلقی آنان از این ارتباط و در مجموع تلقی آنان از فضای سبیرنتیک است. بالا بودن میزان تحصیلات بنا به گفته جونز: "(نشانه‌ای از استفاده کیفی‌تر از فضای تارنما" (Ibid: 41) و در عین حال بیان‌کننده امکان "(عمستی و پایدار ماندن روابط در فضای تارنما" (Lea 1992:22) است.

بالا بودن تعداد افراد مجرد شاید بتواند توجیه‌کننده شرکت آنان در فضا و جماعت‌های مجازی باشد اما در عین حال بالا بودن شمار زنان متأهل (۲۴ نفر از مجموع ۲۶ نفر) می‌تواند بیان‌کننده رابطه‌ای باشد که توانسته جایگزین روابط واقعی در فضای واقعی باشد. این امر در عین حال بیان‌کننده آن نیز می‌تواند باشد که فضای مجازی امکان ارتباط بین افرادی که به دلیل محدودیت‌های اجتماعی - فرهنگی امکان برقراری ارتباط در فضای واقعی را پیدا نمی‌کنند، فراهم آورده و به عنوان بدیلی برای فضاهای واقعی، از این منظر مورد توجه قرار گیرد.

اینترنت از جمله وسائل نسبتاً گران‌ارز است که چنانچه منبع تأمین هزینه آن مشخص گردد می‌تواند بیان‌گر ابعاد مختلفی از این پدیده باشد. تأمین هزینه توسط خود شخص قاعدتاً نشان‌دهنده میزان اهمیت این ارتباط و نیز نحوه استفاده از این ارتباط می‌تواند باشد. مطابق جدول پنج اکثر افراد جامعه آماری مورد مطالعه شخصاً و از محل درآمد شخصی

خود هزینه ارتباط با اینترنت را پرداخت می‌کنند که می‌تواند بیان‌گر اهمیت این ارتباط از نظر آنان و جای‌گاه آن در زندگی روزمره آنان باشد.

به نظر می‌رسد که الگوی ساعات استفاده از اینترنت از الگوی جهانی پیروی کند چرا که در سایر نقاط جهان «استفاده از اینترنت برای افراد با یکدیگر و ورود به جماعت‌های مجازی در ساعات غیر کاری و عمدتاً بعد از ۶ بعدازظهر صورت می‌گیرد (Bruckman, 1992:12; Reid, 1998:51, Marvin, 1995:31; Mnokkin, 1996: 47, Baumann 2000:6) در تهران نیز به نظر می‌رسد که این الگو، الگوی غالب باشد. اگرچه در ساعات میانی صبح (۹ تا ۱۱) شاهد حضور افرادی در جماعت‌های مجازی هستیم اما اینان اکثراً از محیط کار خود به این فضا وصل می‌شوند و هزینه خاصی برای آن پرداخت نمی‌کنند. از این رو این دسته از افراد حضوری تصادفی، اتفاقی، و به منظور گذراندن وقت، ... داشته و در نهایت از جنبه تفریحی این ارتباط به فضای سبیرنتیک متصل می‌شوند. لذا آنان را نمی‌توان از زمره افرادی محسوب کرد که آگاهانه دست به خلق فضای جدید می‌زنند (جدول ۶).

پس از انجام پرسش‌نامه یک و از خلال صحبت‌هایی که در جریان مشارکت در فضاهای مجازی صورت گرفت، چهار رویکرد نسبت به فضای سبیرنتیک تشخیص داده شد. این چهار رویکرد بیان‌کننده دیدی است که این افراد نسبت به فضای سبیرنتیک داشتند و بر مبنای آن با افراد دیگر در فضای تارنما ارتباط برقرار می‌کردند. این رویکردها عبارتند از:

۱) ایجاد ارتباط فضای سبیرنتیک به منظور جبران آنچه در فضای واقعی وجود ندارد؛
 ۲) ایجاد ارتباط در فضای سبیرنتیک به عنوان فضای مکملی برای آنچه در فضای واقعی وجود دارد؛

۳) برقراری ارتباط در فضای سبیرنتیک براساس تجارب پیشین در فضای واقعی؛

۴) برقراری ارتباط در فضای سبیرنتیک برای خلق تجارب جدید؛

پس از مشخص شدن و تفکیک رویکردها، در بخش دوم این تحقیق افرادی که به گونه‌ای شاخص رویکردهای فوق بودند برای مصاحبه تفصیلی و عمیق دعوت شدند.

افراد گروه اول (جدول ۷) شاغل و دارای ارتباطات اجتماعی هستند. با این همه از آن جهت به فضای سبیرنتیک روی آورده‌اند و این فضا را بدین دلیل به عنوان فضای ارتباطی برگزیدند که بنابر اظهاراتشان فضای لازم، مناسب و راحت مورد نظر خود را در واقعیت پیدا نکرده بودند. از جمله عواملی که این گروه به عنوان مزایای ارتباط در فضای سبیرنتیک در تقابل با دشواری‌های فضای واقعی از آن نام می‌بردند می‌توان به نبود محدودیت‌های اجتماعی و قید و بند، امکان بیان آزاد آرا و عقاید، امکان دسترسی آزاد به اطلاعات مورد نیاز، فراهم بودن امکان انتخاب بیشتر از بین افراد، امکان ارتباط با همه اقشار و افراد فارغ از ملاک‌های مرسوم در جامعه، اشاره کرد.

افراد گروه دوم (جدول ۸) دارای زندگی مشترک خانوادگی با همسران‌شان بودند و یا پیش از این به نوعی آن را تجربه کرده بودند. اینان فضای سبیرنتیک و ارتباط از طریق آن را به

عنوان مکملی برای روابط اجتماعی خود می‌پسندیدند. بنابر اظهارات ایشان فضای سبیرنتیک و جماعت‌های مجازی امکان دیدار با افرادی را فراهم می‌کند که بنا بر موقعیت اجتماعی شان امکان ارتباط و معاشرت با آنان وجود ندارد. از نظر برخی از آنان ارتباط از طریق اینترنت در فضای زندگی معمول و روزمره آنان تنوعی ایجاد کرده و به آنان فرصت می‌دهد که جدای از زندگی هر روز مره خود و افرادی که به طور معمول با آنان سرو کار دارند، فضایی جدید با افراد جدید و متنوع را تجربه کنند. برخی دیگر از اینان ارتباط اینترنتی را یادآور دوران سپری شده و زنده کردن خاطرات تلقی می‌کردند. از دید اینان در این فضا می‌توان ارتباط اجتماعی مشابه ارتباط اجتماعی در فضای واقعی داشت و در عین حال می‌توان از پی‌آمدهای نامطلوب آن جلوگیری کرد و در مواردی که امکان ایجاد ارتباط با افراد فراهم می‌شود این فضا می‌تواند به مثابه یک صافی عمل کند.

افراد گروه سوم (با توجه به رویکرد برقراری ارتباط در فضای سبیرنتیک برای خلق تجارب جدید) از جمله جوان‌ترین افراد مورد پرسش بودند. اینان عمدتاً بر این عقیده بودند که فضای تارنما فرصتی را به وجود آورد که آنان بتوانند روابطی را تجربه بکنند که پیش از این در اختیار نداشته‌اند، از این رو این امکان می‌تواند فرصت‌های جدیدی را برای آنان به وجود آورد. در بین اطلاع‌رسانان این تحقیق این گروه بیش از سایر گروه‌ها، دوستان خود را از طریق شبکه اینترنت پیدا کرده، و با آنان ارتباطات پایدارتری دارند. از این ۷ نفر ۵ نفر دوره‌های هفتگی یا ماهیانه با حلقه دوستان اینترنتی خود دارند و در عین حال اتاق‌هایی را در جماعت‌های مجازی به نام خود ثبت رسانده و به حلقه دوستان‌شان افراد جدیدتری اضافه می‌شوند.

اگر در این جا به این پرسش اساسی تحقیق که :

«فضای سبیرنتیک تا چه حد توانسته به عنوان بدیلی برای فضای شهری، به منظور ایجاد ارتباط، مورد استفاده کاربران اینترنت قرار بگیرد؟» باز گردیم می‌توان موضوع را به صورت زیر تبیین کرد.

برای افرادی که فضای سبیرنتیک را به عنوان جای‌گزین فضای واقعی برگزیدند، این فضا، توانایی بر آوردن خواسته و نیازهای آنان را ندارد. «من در دوران تحصیل خود چندین بار به دلایل ارتباطات ساده خانم‌هایی که هم دانشگاهی‌ام بودند مورد بازخواست قرار گرفتم، یک بار به دلیل شرکت در جشن تولد دوستم دو روز با زداشت بودم و جریمه نقدی پرداخت کردم. این امر همیشه برای من سرخوردگی به وجود آورده بود به شکلی که کمتر این فرصت را پیدا می‌کردم که ارتباطی ساده داشته باشم» (حمید ۱) «من فکر می‌کنم به دلیل سخت‌کوشی که در زندگی‌ام داشته‌ام و نتیجه آن اکنون این شده که برای جامعه‌ام فرد مفیدی باشم حق این را دارم که نوع ارتباطم با دیگران را تعیین کنم و به اندازه‌ای بالغ شده‌ام که تشخیص دهم تا چه حد می‌توانم در یک رابطه پیش بروم. اما عملاً امکاناتی که در این جهت در اختیارم هست بسیار اندک است. به نظر من مکانی تعریف شده برای من که بعد از ۸ تا ۱۰ ساعت کار در روز

بتوانم در آن اوقات فراغت و استراحت خود را بگذرانم تقریباً وجود ندارد و اگر هم باشد مشکلات آن به قدری زیاد است که ترجیح می‌دهم عطای آن را به لقای آن ببخشم، مکان‌های عمومی مثل پارک‌ها، باشگاه‌های ورزشی بقدری شلوغ است که فکر می‌کنم پیش از آنکه امکان گذراندن اوقات فراغت را به نحوی فرج‌بخش فراهم سازد باعث سردرد می‌شود بعلاوه تا کنون نتوانستم در این جور جاها فضای خصوصی خاص خود را داشته باشم» (علیرضا ۱) «من در روز بین ۸ تا ۱۰ ساعت درس می‌دهم. عمده وقت‌هایی که می‌توانم به کارهای شخصی‌ام بپردازم شب‌هاست و صبح‌ها تا حدود ۱۰/۵ - ۱۱. شب‌ها که در مکان‌های عمومی امنیت چندانی به خصوص در محدوده‌ای که زندگی می‌کنم وجود ندارد، صبح‌ها هم که هم‌سن و سالان من بیکار نیستند و محلی برای تجمع آنان نیست. در عین حال غیر از ورزش که تقریباً سه روز صبح مرا به خود اختصاص می‌دهد بقیه روزها کار چندانی برایم وجود ندارد. در عین حال من فعالیت‌های اجتماعی را دوست دارم ولی مکانی برای جمع شدن و رد و بدل کردن نظرات وجود ندارد که در آن بتوان جمع منسجمی به وجود آورد» (سهیلا ۱).

نبود مکان‌های مناسب شهری و محدودیت‌های اجتماعی از این منظر یکی از عوامل روی آوردن این افراد به فضای سیبرنتیک است. اما گاهی این جنبه از قضیه برای کسی که نمی‌تواند از همین فضا نیز استفاده کند جنبه‌ای ثانویه پیدا می‌کند. برای هژیر (۱) معلولیت عامل دیگری است که امکان برخورداری از ارتباط جدی و مناسب اجتماعی را از وی سلب می‌کند. «پیش از این امکان تحرک و حرکت برای من عملاً وجود نداشت و از این رو نمی‌توانستم به درستی در جایی حضور یابم که در آنجا بتوانم با دیگران به راحتی ارتباط برقرار کنم». برای نگار (۱) این امکان تحرک پیش از آنکه جنبه فیزیکی داشته باشد، «جنبه روحی روانی دارد»، «به دلیل تربیت خانوادگی تمایل چندانی به برقراری ارتباط به طور ناگهانی و یکپهویی ندارم مایلم طرفم را خوب بشناسم در عین حال این شناسایی نیاز به محیطی دارد که در آن در مورد آدم بد قضاوت نشه یا کسی آدم در آنجا نبینه چون هزار جور ممکنه در مورد آدم فکر و خیال کنند. اگر یکی از همکاران یا یکی از فامیل آدم را در اینجور جاها ببیند آدم چه داره بگه». کیارش (۱) هرچه این مشکل را ندارد اما از جنبه دیگر نیاز خود را بر آورده شده نمی‌بیند «من سیاست و فعالیت سیاسی را دوست دارم. دوست دارم پشت این روابط خشک سیاسی، پشت این وقایع که هر روز از طریق رسانه‌های رسمی به من می‌رسد، را ببینم. دوست دارم فارغ از همه مصلحت‌هایی که شاید به حق و یا ناحق وجود دارد حرف بزنم، حرف بشنوم. یک جایی مثل یک حزب، یک میتینگ، جایی که هم‌فکرهای من، مخالفین من وجود داشته باشند. بتوانم در آنجا حرف بزنم». گاهی مسئله اساساً به موقعیت اجتماعی فرد بر می‌گردد. موقعیتی که با خود الزامات و محدودیت‌هایی می‌آورد. «با توجه به موقعیتی که من دارم فکر نمی‌کنم به راحتی بتوانم راه بیفتم و با افراد رابطه برقرار کنم شاید این جور کارها را دون شان خود بدانم در عین حال خود را مستحق داشتن روابط با دیگران می‌دانم آدم‌هایی که متفاوت از اطرفیان‌ام باشند. از همه نظر متفاوت و در عین حال با کلاس. یافتن این جور آدم‌ها به راحتی امکان‌پذیر

نیست. مکانی که در آن جمع شوند وجود ندارد. انجمن‌های دانشجویی هم به گونه‌ای است که با شرکت در آن آدم انگشت نما می‌شود. در دوره‌ لیسانس این انگشت نما شدن مطلوب و خوشایند هم بود اما حالا دیگه نه» (محسن ۱).

این گروه از اطلاع رسانان فضای شهری پیرامون خود را مطابق خواسته‌های خود نمی‌یابند. آنچه به نظر واجد اهمیت است انتظار و توقع آنان از فضا است که در تقابل با آنچه در واقعیت با آن روبرو هستند، قرار می‌گیرد.

«فضای اجتماعی و الگوهایی که این فضا ارائه می‌دهد انتظارات را در افراد به وجود می‌آورد که انباشت آن به طور متقابل باعث می‌شود که فرد به حسب مورد و در نیازهایی که با آن روبرو می‌شود بر آورده شدن آن را در فضای اجتماعی طلب کند» (Lefebvre 1996:137).

سبک و شیوه زندگی افراد فوق، تحصیلاتی که دارند، نقشی که در جامعه بازی می‌کنند، می‌تواند گروهی از خواسته‌ها و مطالبات را به وجود آورد، که درعین حال به دلیل محدودیت‌های متفاوت امکان برآورده شدن این مطالبات وجود ندارد. بحث درباره دلایل به وجود آمدن این مطالبات، پیشینه فرهنگی اجتماعی آن و هم‌خوانی یا تقابل این پیشینه و آنچه در واقعیت روی می‌دهد در جای دیگر مورد بحث قرار گیرد اما آنچه در این جا حائز اهمیت است فرآیندی است که منجر به تولید فضای جدید و ارتباطی می‌شود. «فضای اجتماعی به وجود آورنده فضای ذهنی است و فضای ذهنی در یک رابطه دیالکتیکی بر فضای اجتماعی تأثیر می‌گذارد. این ارتباط چنانچه به هر دلیلی دچار اختلاف شود فضای ذهنی در پی یافتن فضای اجتماعی مطلوب خود بر می‌آید و یا در صورت امکان دست به تولید آن می‌زند» (ibid.:68).

اتفاقی که ظاهراً برای افراد این گروه مورد پرسش نیز اتفاق افتاده بر همین سیاق بوده است. فضای اجتماعی آنان با فراهم آوردن فرصت‌ها و امکانات برای آنان زمینه پیشرفت، در اینجا در زمینه تحصیلی و کاری، را فراهم آورد. این پیشرفت بالطبع در دل خود انتظارات و خواسته‌هایی را به وجود آورده که فضای اجتماعی دیگر نمی‌تواند بر آورده کردن این خواسته‌ها را به انجام برساند لاجرم افراد در پی فضایی که بتواند چنین نیازی را از آنان بر آورده کند. بر می‌آیند. به عبارت دیگر اختلاف در روابط تعاملی فضای ذهنی و فضای اجتماعی ضرورت شکل‌گیری فضای اجتماعی جدید را به وجود می‌آورد. با این وجود باید به این نکته نیز توجه داشت که از نظر لوفبور «ضرورت به وجود آمدن فضای اجتماعی جدید و تولید آن نیازمند امکاناتی است که فضای اجتماعی پیشین با فضای طبیعی به وجود می‌آورد» (ibid.:141).

اگر در مورد افراد فوق فضای سبیرنتیک و ارتباطی که در آن با افراد دیگر برقرار می‌شود و منجر به شکل‌گیری جماعت‌های مجازی می‌گردد را نوعی تولید فضا بدانیم، آنچه منجر به این تولید فضا شده است برآورده شدن انتظارات افراد در فضای واقعی و متقابلاً یافتن امکان آن در فضای سبیرنتیک است. «اینترنت این امکان را برای من فراهم آورده که ارتباط‌های

خوش آیند خودم را داشته باشم، دیگر نیازی نیست که اگر با کسی دوست شدم او را ببینم، گر چه در روی نت می‌توانم او را ببینم، صحبتی که در روی نت با هم داریم یا تماسی که با هم از طریق تلفن برقرار می‌کنیم شناخت‌های اولیه را به ما می‌دهد و در عین حال سطح توقع‌مان از همدیگر را هم مشخص می‌کند» (حمید ۱).

«خوبی ارتباط از طریق اینترنت آن است که محدودیت‌های معمول را ندارد آدم در آن‌جا می‌تونه ارتباط برقرار بکنه و در عین حال از تبعات نامطلوب آن پرهیز بکنه، چسبون در این‌جا فقط خودت اختیار دار هستی» (نگار ۱). «پیش از آنکه ارتباط از طریق اینترنت را تجربه کنم، همیشه فکر می‌کردم باید یک کلوب و باشگاهی را به وجود آورد تا افراد مختلف بتوانند ویژگی‌های فرد یا افرادی را که به دنبال آن هستند را در آنجا ثبت کنند و از طریق آن با یک‌دیگر آشنا شوند، برنامه‌های گردش و تفریحی بگذرانند تا افراد بتوانند تجارب اجتماعی جدیدی کسب کنند. به نظرم اینترنت توانسته این امکان را فراهم کند. صرف نظر از جنبه‌هایی که هنوز امکان آن بر روی نت وجود ندارد، اما همین امکان آشنایی با افراد مختلف، تبادل نظرات و صحبت‌های دوستانه، بدون آنکه کسی مجبور باشد هویت اصلی خودش را ابراز کند، امکان بسیار خوبی» (محسن ۱). «روی نت تو می‌توانی به سایت همه گروه‌ها سر بزنی همه جور خبر راجع به همه کس بخوانی، بشنوی و بگی. درسته که در عمل ممکنه هیچ‌کدام از نظرات نتواند نظر تو را جلب کنه اما بالاخره حرف نگفته نمونده چه از طرف تو و چه از طرف دیگران، همین با خبر شدن از آن‌چه در پیرامون‌ات می‌گذره، تو را به سمت لایه‌های عمیق‌تر تحولات سوق می‌ده جایی که در آن مسئله فقط وجود یا عدم وجود یک فرد مسئله تو نیست مسئله آن بافت ذهنی است که در طول سال‌ها شکل گرفته و به صورت یک فرهنگ در ذهن همه جایگیر شده، آن وقته که می‌تونی حرف‌ها را با توجه به این بافت درک کنی. در عین حال اینترنت تو را به همه کس با هر ایده و مرامی متصل می‌کنه و تو می‌تونی بفهمی که حرف و خواسته اصلیشون چیه» (کیارش ۱).

پاسخی که گروه دیگر با رویکرد «ایجاد ارتباط در فضای سیبرنتیک به عنوان فضای مکمل فضای واقعی» داشتند متفاوت بود. افراد این گروه اساساً دیدشان به فضای سیبرنتیک دیدی متفاوت بود. اینان به واسطه داشتن زندگی مشترک و یا تجربه کردن آن در برهه‌ای از زندگی خود روابط اجتماعی گسترده‌تری را تجربه کرده بودند و بالطبع آنچه در محیط وب به دنبال آن بودند و رابطه‌ای که خواهان آن بودند متفاوت بود.

«محیط کاری من یک محیط حرفه‌ای است برخوردها و تماس‌هایی که در آن وجود دارد کاملاً تعریف شده است، امکان تغییر چندانی در آن وجود ندارد» (سوسن ۲). «کار پر مسئولیت من زمان کمی را در اختیارم می‌گذارد که روابطی که پیش از این در زمان تحصیل‌ام داشتم، دوره‌هایی که با دوستانم داشتم، برگردم. امور روزمره من به کار بیرون، خرید و کار در خانه می‌گذرد. گاهی فکر می‌کردم خودم را در این میان از دست دادم، فرصتی برای خودم پیدا نمی‌کردم» (مهین ۲). «کار متنوعی است. آدم‌های مختلف، تیپ‌های مختلف را می‌بینم و با

آن‌ها سر و کار دارم اما توقعم از خودم، زندگیم، خانواده‌ام بالاست. چیزهای معمولی دیگر راضی‌ام نمی‌کند، دنبال موقعیت‌های جدید، فرصت‌های نو می‌گردم. زندگی الانم را دوست دارم. کارم را هم همین‌طور چون هم تنوع داره و هم در آمد خوبی در آن هست اما در عین حال دوست دارم چیزهای جدیدی تجربه کنم. این حالت چون در اطرافیانم نیست باید دنبال راهی بگردم که بتوانم این خواسته‌ام را برآورده کنم» (قهرمان ۲). «علیرغم امکاناتی که در زندگی‌ام دارم گاهی فکر می‌کنم که باید از وقتم بیشتر و بهتر استفاده کنم. با آدم‌های بیشتری رابطه داشته باشم. بلافاصله بعد از دیپلم وارد دانشگاه شدم و سال آخر بودم که ازدواج کردم حالا فکر می‌کنم فرصت چندانی نداشته‌ام که به خودم و علائقم برسیم. دوست‌های زمان تحصیل‌ام هم عمدتاً به خارج رفته‌اند. فکر می‌کنم بتوانم از طریق اینترنت دوستانی پیدا کنم. تاکنون که چندین مورد پیدا کرده‌ام» (فریبا ۲). «با مسائلی که در زندگی‌ام پیش آمده و مشکلاتی که با آن دست به گریبانم خیلی دوست دارم تنهایی‌ام را با پیدا کردن دوستانی پر کنم. خانواده‌ام خیلی به من کمک می‌کنند اما گاهی همه حرف‌ها را به آن‌ها نمی‌توانم بزنم. در عین حال آن‌ها همیشه با من نیستند» (نوشین ۲). «آدمی در موقعیت کاری و شرایط سنی من نمی‌تواند به هر جایی بره و با هر کسی رابطه داشته باشه، اما در عین حال نمی‌توانم ضرورت وجود رابطه با دیگران را نمی‌کنم و آن را ندیده بگیرم. دوستان و فامیل جای خودشان را دارند اما برای پر کردن ساعت‌های تنهایی‌ام دوست دارم رابطه‌ای را تجربه کنم که بتوانم اوقات تنهایی و بیکاری‌ام را پر کند» (همایون ۲). «کاری که من دارم محیطی یکنواخت را برابم به وجود آورده تحولاتی که در جامعه و محیط اجتماعی‌ام وجود دارد و به وجود آمده را دوست دارم بشناسم. می‌خواهم بدانم دنیای آنان چگونه است، تعریف آنان از زندگی، خوشبختی، ناکامی و مسائل دیگر چیست. شاید به اقتضای وضعیت شغلی، فرهنگی و اجتماعی‌ام نتوانم در محیط‌های معمول به راحتی رفت و آمد کنم و ارتباط برقرار کنم، اما محیط وب با توجه به امکاناتش وسیله‌ای را فراهم آورده که بتوانم با دیگرانی که از همه لحاظ با من و پیشینه‌ام متفاوت‌اند رابطه داشته باشم اگر چه بعضی از این روابط بسیار ملال‌انگیز و سطحی است اما گاهی افرادی نیز توان پیدا کرد که حرفی برای گفتن داشته باشند» (ظفر ۲). «شرایط زندگی‌ام رفته رفته به سمتی کشیده شده که احساس تنهایی می‌کنم. دختر و پسر بزرگ شده‌اند. یکی دانشجویست و دیگری سال آخر دبیرستان است. فکر می‌کنم حالا این حق را دارم که دنبال رابطه‌ای باشم، دنبال کسانی باشم که بتوانند در اوقات فراغت من شریک شوند. در عین حال امکان تبادل نظر راجع به برخی مشکلات و مسائلی که پیش می‌آید فراهم آید. قصد دارم از ایران بروم و محیط جدیدی را با بچه‌ها تجربه کنم. از طریق اینترنت و روابطی که توانسته‌ام از این طریق پیدا کنم اطلاعاتی به دست آورده‌ام و اکنون کار مهاجرت به کانادا تقریباً به مراحل آخر رسیده، همه این مسائل به واسطه اینترنت میسر و ممکن شده است» (آذر ۲).

نیاز به تولید فضا در بین گروه دو به شدت گروه یک نبود با این همه این احساس نیاز همچنان به قوت خود باقی بوده و امکانات فضای واقعی و واهمه‌ای که از داوری و قضاوت اطرافیان وجود دارد مانع از آن شده که این نیاز به ایجاد فضای ارتباطی در فضای ارتباطی در فضای شهری اتفاق بیفتد، لذا دنباله فضای ذهنی خود را در فضای اجتماعی دیگر جستجو می‌کنند. اگر در گروه یک این نیاز به تولید فضا به تمامی به فضای سبیرنتیک منتهی می‌شود در این‌جا فضای سبیرنتیک در کنار فضای واقعی قرار می‌گیرد. آنچه در این گروه حائز اهمیت است قابلیت است که آنان برای فضای سبیرنتیک قائل شدند.

«اینکه فضای مکمل فضای غالب قرار گیرد، اعم از آنکه فضای مکمل فضای اجتماعی، ذهنی، طبیعی (برای هر یک از این سه فضا) باید انتزاعی از آن را در خود جای دهد» (ibid.:93) از این رو به نظر می‌رسد که کیفیت فضای سبیرنتیک از نظر این افراد انتزاعی از فضای واقعی است که امکان ایجاد ارتباط را برای آنان فراهم می‌آورد.

گروه بعد با رویکرد «برقراری ارتباط در فضای سبیرنتیک براساس تجارب پیشین در فضای واقعی» فضای سبیرنتیک را دارای قابلیت مشابه آنچه در فضای واقعی وجود دارد می‌دیدند از نظر آنان فضای سبیرنتیک و ارتباطاتی که در آن شکل می‌گیرد، جدای از امکان دیدار مستقیم که کمتر در فضای وب ایران به دلیل سرعت پایین خطوط امکان پذیر است، چیزی کمتر از ارتباط در فضای واقعی ندارد و به دلیل برخی قابلیت‌های آن امکان بروز جنبه‌های پنهان شخصیتی را فراهم می‌آورد. تمام افراد این گروه، علیرغم شکست‌ها و ناکامی‌های آن امکان بروز جنبه‌های پنهان شخصیتی را فراهم می‌آورد. تمام افراد این گروه، علیرغم شکست‌ها و ناکامی‌هایی که در ارتباطات پیشین خود داشتند، مایلند امکان مجددی برایشان فراهم شود که بتوانند آن تجارب را منهای نقاط منفی و عواملی که منجر به شکست‌شان شده بود را مجدداً تکرار کنند. این میل به تکرار آنی، معنی ضمنی را نیز در بر دارد که فضای واقعی برای تکرار آن مساعد نیست. این مساعد نبودن از چند جنبه قابل توجه است، و برای افراد مختلف معانی مختلفی در بر دارد.

«من مدتی با کسی دوست بودم، البته این دوستی چنان عمیق شد که خانواده‌هایمان نیز خبردار شدند، محیط کارم هم متوجه شدند اما بعد یکسری مسائلی از طرف خانواده‌ها مطرح شد که کار به سرانجام نرسید و مجبور شدیم از هم جدا بشم. چند ماهی از نظر روحی وضع مناسبی نداشتم. اصلاً نمی‌توانستم به جاهایی که با هم رفته بودیم قدم بگذارم. اون امکان این را داشت که از ایران بره و قطعاً راحت‌تر از من می‌توانست با مسئله کنار بیاد اما من و هر آنچه پیرامون من بود یادآور او بود» (مژگان ۳). «من در سال ۱۳۶۴ به جرم ارتباط با یکی از گروه‌ها بازداشت شدم، البته فعلیتی نداشتم. بیشتر در خانه یکی از دوستان خواهرم کتاب می‌خواندیم، بریده روزنامه جمع می‌کردیم، فعالیت تشکیلاتی نداشتم ولی من آن فضای صمیمی را دوست داشتم. بعد از ۵-۴ ماه آزاد شدم. این بازداشت در آن سن تأثیر بدی روی من گذاشت به طوری که دوران تحصیلم هیچ‌گاه سایه‌ی سنگین آن از روی زندگی من برداشته نشد. در

دانشگاه قادر به شرکت در کوچک‌ترین فعالیت صنفی یا سیاسی نبودم. همیشه می‌ترسیدم که اتفاقی برابم بیفتد. اما از تعلق خاطر اگر هم چیزی باقی مانده بود عشق و علاقه به عدالت و تغییر بود که هم‌چنان برابم جذاب می‌نموده (شهبلا ۳). برای سپهر (۳) قضیه جنبه سیاسی ندارد بلکه گرد هم جمع شدن و با هم سن و سالان بودن فی نفسه جذاب و دلپذیر است. در دوران دانشجویی با هم‌دوره‌هایم که در آخر تعدادمان به ۱۵ نفر رسید جمعی را تشکیل دادیم و کارهای مختلف مربوط درس‌هایمان را با هم تقسیم کردیم و از آن‌جائی که همه در شهرستان محل تحصیل‌مان غریب بودیم صبح و شب و تعطیل و غیرتعطیل‌مان با هم می‌گذشت. از آن جمع دو تا از پسرها با خواهرهای دونفر دیگر ازدواج کردند. بعد از آنکه درس‌مان تمام شد هر کدام یک سمتی پراکنده شدیم. دیگر نشد که دور هم جمع بشیم. از آن جمع ۳ نفر در تهرانیم که باز هم هفته‌ای دو سه شب را با هم می‌گذرانیم ولی اون جمع دیگر تکرار نشد. اما وقتی اینترنت آمد قضیه قدری فرق کرد^۸ (سپهر ۳). «این حس با هم بودن در هر دوره‌ای یک شکلی به خودش می‌گیرد توی دوران بچگی با بچه‌های محل و همشاگردی‌ها، توی دوره دبیرستان گروه‌های ورزشی، کوه‌نوردی، ... اما به نظر با بالا رفتن سن جمع‌هایی بیشتر به درد آدم می‌خوره که همان حس با هم بودن را اما این بار در قابل یک علاقه و سلیقه مشترک دوباره زنده و تداعی کنه. من ندیدم که تا حالا چنین انجمن‌هایی به وجود بیاد.

مثلاً من مدتی است که به انیمیشن‌سازی کامپیوتری علاقه‌مند شدم و در مدت دو، سه سال گذشته به جاهای مختلف سر زدم، منابع مختلف را مطالعه کردم و پیشرفت خوبی هم داشته‌ام. اما تا حالا چیزی به اسم - به طور مثال - انجمن دوستداران انیمیشن‌های کامپیوتری ندیده‌ام^۹ (امیرخان ۳). «من همیشه کارهای هنری را دوست داشتم اما کار من بیشتر عکس‌برداری از اندام است. کاربرد زیادی بخصوص در رشته‌های پزشکی و رشته‌های هنری دارد. اما هیچوقت امکان آن را نداشته‌ام که کاری را درجایی عرضه کنم. از زمان دانشجویی به واسطه دو نفر از استادها با یکی دو مرکز تحقیقاتی آشنا شدم و با آن‌ها کار می‌کنم اما جرأت نمی‌کنم جای دیگری دنبال کار باشم تا پیام توضیح بدم که منظور از این کار چیه هزار جور سوء تفاهم پیش آمده. کارهای طبیعت‌آم خوب عرضه شده فروش هم داشته اما این کاری که دوست دارم نه، تا این‌که مجبور شدم این کارها را در سایت‌های مختلف دانشگاهی خارج از کشور عرضه کنم^۹ (مهتاب ۳). از نظر دیگر شاید این نیاز یک نوع احساساتی‌گری^۸ که با نوعی حسرت گذشته^۹ نیز باشد. «من در زندگی‌ام از کودکی، بعد از دست دادن یکی از دوستان‌ام در یک تصادف رانندگی یک گم‌شده‌ای داشتم. فکر می‌کنم آن هم‌فهمی باید در جای دیگر پیدا شود، باید باشد. بعضی اوقات فکر می‌کنم بسیار به آن نزدیک شده‌ام اما باید بیشتر به دنبال آن باشم، اما روزی بالاخره آن را به دست خواهم آورد» (اهریمن ۲).

⁸ sentimentalism

⁹ nostalgia

فضای ذهنی همیشه در صدد بسط خود است و چون گفتمان در یک اجتماع شناخته می‌شود طبیعی است که به دنبال مخاطبی آشنا با مفروضات ذهنی مشابه باشد. اگر فضای ذهنی قدرت بازسازی و بسط خود را نداشته باشد در یک سطح تکرار می‌شود و روند معمول خود را به سمت عینی^{۱۰} شدن طی نکرده بهر حال می‌توانم با آدم‌های متفاوت حرف‌های مختلف بزنم. بیرون باید خیلی زور زد تا همین آدم‌ها به تورت بخورند ولی سوی اینترنت تمام این آدم‌ها دم دست هستند^{۱۱}. (ارباب زاده ۴)

به نظر می‌رسد چنان‌چه بخواهیم از مجموعه اطلاعات و نظرات ارائه شده به یک جمع‌بندی و پاسخی برای پرسش اول تحقیق برسیم بگوییم که فضای سبیرنتیک از نظر تمامی افراد مورد پرسش در این تحقیق قابلیت آن را دارد که به عنوان فضایی برای انجام ملاقات و دیدار مورد استفاده قرار گیرد و از آن‌جایی که فضای شهری نیز به چنین منظوری تولید شده و به وجود می‌آید و اساسی‌ترین فرض در ساخت آن نیز برآورده ساختن همین هدف است لذا می‌توان آن را چنین فضایی تصور کرد. در خلال صحبت‌هایی که پرسش شوندگان این تحقیق ارائه نمودند آنچه بارز می‌نمود اهمیتی است که این فضا به عنوان یک فضای به واقع موجود برای آنان دارد. حال این اهمیت چه جنبه جای‌گزینی داشته باشد و چه جنبه مکمل. از این نظر فضای سبیرنتیک در نزد کاربران اینترنت، به حسب تعریفی که از فضا دارند، فضایی قابل قبول برای آنان است. این‌که این فضا تا چه حد مورد استفاده آنان قرار می‌گیرد بستگی به رویکردی دارد که آنان نسبت به این فضا دارند. این رویکرد بیش از هر چیز یک رویکرد مبتنی بر پیشینه و تجربه اجتماعی فرهنگی آنان است. به این معنی که محیط آنان و تجاربی که در این محیط‌ها کسب کرده‌اند تعیین‌کننده نوع استفاده‌ای است که می‌خواهند از فضای سبیرنتیک و روابط با افراد دیگر در آن داشته باشند. در عین حال همین تجارب پیشین وقوع آن نحوه و میزان استفاده از فضای سبیرنتیک را تعیین می‌کند. به نظر تحلیل این چنین از تولید فضا، صرف‌نظر از اینکه این فضا فضایی واقعی باشد یا فضای سبیرنتیک، رابطه‌ای منطقی بین فضای پیشین و فضایی که احتمالاً ایجاد رابطه منجر به تولید آن خواهد شد برقرار خواهد کرد. رابطه افراد در فضای سبیرنتیک اگر چه رابطه‌ای مجازی^{۱۱} خوانده می‌شود اما در واقع برای فضای شهری به مثابه یک بدیل مطرح است.

افرادی که در گروه چهار قرار دارند همگی طبق اظهارات خود روابط اجتماعی نسبتاً خوبی داشته‌اند اما در بعضی شکست خورده‌اند، در برخی دیگر به دلایل اجتماعی، سیاسی دچار منع شده‌اند، در برخی دیگر موفق بوده‌اند و به نوعی مایل به بسط تجارب قبلی هستند. دلایلی که این گروه برای ایجاد رابطه در فضای سبیرنتیک ابراز کردند، شباهت در فضای سبیرنتیکی با زندگی واقعی، این‌که امکان شناخت افراد در آن وجود دارد و لذا نیازی برای

^{۱۰} concrete

^{۱۱} virtual

آشنایی اولیه و مقالات در فضای واقعی وجود ندارد، دیگر این‌که در این فضا امکان تکرار تجارب پیشین بدون آن‌که امکان پی‌آمدی ناگوار و نامطلوب به مانند فضای واقعی در آن وجود داشته باشد، وجود دارد. تلقی این افراد از فضای سبیرنتیک، فضایی شبیه فضای واقعی است.

فضای شهری در بنیادی‌ترین شکل خود محل ملاقات و دیدار است. فضای سبیرنتیک نیز توانسته با توجه به امکانات خود این امکان را برای آن‌ها فراهم آورد.

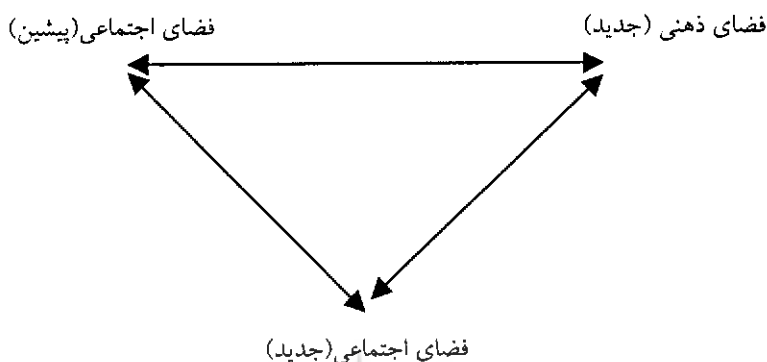
به نظر می‌رسد فضای اجتماعی نوعی زمینه قبلی برای ایجاد ارتباط به وجود می‌آورد. اما با توجه به محدودیت‌هایی که گاهی همین فضا در پی دارد اجازه انجام ارتباط و ملاقات را فراهم نمی‌آورد. فضای سبیرنتیک توانسته تا حدودی این امر را جبران کند. "من همیشه اوقات فراغتم را قبل از ازدواج با دوستانم می‌گذراندم. بعد از تمام شدن درس و شروع به کار در شرکت مهندسی سازه مسئولیت‌های زیادی به دوشم افتاد که مجبور بودم به دلیل حساسیت کار وقت زیادی را صرف آن کنم. از طرفی بعد از مدتی با شوهرم آشنا شدم و ازدواج کردیم و ساعات‌های بعد از کارم هم یکسره به رفت و آمد، خرید و بعد هم کارخانه محدود شد. همیشه آخر شب‌ها خسته از کارهای روزانه به دوره‌هایی که با دوستانم داشتیم و اوقاتی که با هم گذرانده بودیم فکر می‌کردم. دو سال پیش برای اولین بار در شرکت از طریق اینترنت yellow page در سایت yahoo توانستم رد یکی از دوستانم را در آمریکا پیدا کنم و با یکدیگر در تماس باشیم. این ملاقات و ارتباط دو نفره باعث به وجود آمدن اتاق گپ زنی ما و دوستانمان در paltalk شد و حالا هفته‌ای دو سه شب یکی دو ساعتی را با هم می‌گذرانیم، گر چه لطف ملاقات‌های قبلی را نداره اما به هر حال توانسته جای خالی اون روزها را تا حدودی پرکنه. حال خیلی خوبی به آدم دست می‌ده که هر وقت کامپیوتر را روشن می‌کنی پیامی، عکسی، یا هدیه‌ای از طرف دوستی که خیلی وقته او را ندیده‌ای بهت برسه" جدای از این برخوردها و ارتباطات گاه‌گاهی اینترنت امکان این را فراهم ساخته که علیرغم محدودیت‌ها افراد بتوانند علایق خود را دنبال کرده دیگرانی که فضای فکری و ذهنی مشترکی دارند ارتباط برقرار کنند.

این گونه تلقی از فضای سبیرنتیک و شبیه دانستن آن به فضای واقعی با اتکا به فرایندی شکل می‌گیرد که در آن مهم‌ترین امر ارتباط دادن فضای اجتماعی (آن‌چه که هست) با فضای ذهنی (آن‌چه می‌خواهیم باشد) است.

آن‌چه فضای شهری را برای شهروندان تعریف و تحدید می‌کند مجموعه‌ای از عوامل فیزیکی، ذهنی و اجتماعی است. و همین فضا جدای از ویژگی فیزیکی آن در فضای سبیرنتیک به عنوان فضایی ارتباطی مشاهده می‌شود (Leeds 1994: 26).

به نظر می‌رسد که در این‌جا با همان سطحی از تولید فضا مواجه‌ایم که در مدل لوفبور نیز دیده می‌شود. فضای اجتماعی نوعی انتظار و توقع را در شکل‌دهی به فضای ذهنی به وجود

می‌آورد که این به نوبه خود به فضای اجتماعی آتی و مطلوب شکل می‌دهد. در سطح واقعی فضای یک شهر محل تلاقی این دو فضا است. (Lefebvere 1996:71)



نتیجه‌گیری

فضای سبیرنتیکی یک فضای تعاملی و ارتباطی است که علیرغم نو بودن و متکی بودن به فناوری جدید، در شهر تهران به وجود آمده و در حال گسترش است. جسدای از امکاناتی که این فضا از قبیل تبادل و جستجوی اطلاعات، کاریابی، ... دارد این امکان را نیز فراهم می‌سازد که افراد بتوانند در آن با یکدیگر ارتباط برقرار کنند.

برقراری ارتباط در فضای سبیرنتیک منجر به خلق جماعت‌های مجازی و فضای سبیرنتیکی تعامل و ارتباطات اجتماعی شده است. این فضا به دلیل موثر بودن نقش تک‌تک افراد در به وجود آمدن آن یک روند تولید را برای شکل‌گیری طی می‌کند. به تعبیر لوفبور تولید هر فضا از سه جزء فضای اجتماعی، فضای ذهنی و فضای طبیعی بهره می‌گیرد اما به دلیل وجود عامل انسانی روند ایجاد رابطه و تعامل به فضای اجتماعی معطوف به تجارب پیشین است (Baudrillard 1983:29). پس می‌توان نتیجه گرفت که تولید این فضا در جریان یک فرآیند همانندیابی شکل می‌گیرد. به نظر می‌رسد که فضای سبیرنتیک نیز از این قاعده مستثنی نیست. در عین حال به نظر می‌رسد که این فرآیند همانندیابی، خود متأثر از فضاهای دیگر است. با برداشتی که از کار لوفبور می‌توان در مورد تولید فضا داشت، به نظر می‌رسد که فضای سبیرنتیک برای شکل‌گیری خود این مسیر را طی کرده باشد.

«فضای اجتماعی پیرامون هر کس به وجود آورنده فضای ذهنی آن شخص است. منظور از فضای ذهنی سطح گفتمان، زبان، شیوه استنتاج و ربط منطقی مفروضات، یافته‌ها، شناخت‌ها و تجربیات است» (Berges & Luckman 1996:91).

این فضای ذهنی در یک رابطه متقابل و دیالکتیک با فضای اجتماعی قرار دارد و از آن تأثیر گرفته و به نوبه خود بر آن تأثیر می‌گذارد. چنان‌چه به هر علتی این رابطه مختل شده یا

دست‌خوش تغییر و تحول شود به گونه‌ای که این ارتباط دچار خدشه گردد، اعم از آنکه نیازی به مکملی پیدا کند یا نیاز به جای‌گزین کردن آن پیش آید فضای ذهنی فرد، فضای اجتماعی جدیدی را جستجو می‌کند. لوفبور به عنوان نمونه‌ای از این جستجو مهاجرت را نام می‌برد (مهاجرت در حد عام و وسیع خود نتیجه به هم خوردن رابطه فضای طبیعی / فضای اجتماعی، فضای طبیعی / فضای ذهنی، فضای ذهنی / فضای طبیعی است (Lefebvre 1996:114). همان‌گونه که در کار لوفبور مشاهده می‌شود این فضا در گفت‌وگو با او معطوف به فضای واقعی و فیزیکی است با این همه به نظر می‌رسد که از آن می‌توان برای توجیه و دلیل روی آوردن به فضای سبیرنتیک نیز استفاده کرد. افرادی که از فضای سبیرنتیک استفاده می‌کنند و در این تحقیق مورد پرسش قرار گرفتند چنین رویکردی بدان و فضای تعاملی آن داشتند. به نظر می‌رسد که هر یک از آنان به واسطه فضای اجتماعی - فرهنگی خود در فضای ذهنی به سر می‌برند که این فضا، دنباله خود را جستجو می‌کند و چون آن را در فضای واقعی به دست نمی‌آورد روی به فضای مجازی و سبیرنتیک می‌آورد. منظور آن نیست که این فضا به تمامی جای‌گزین فضای واقعی می‌شود بلکه منظور آن است که این فضا به صورت مکمل فضای اجتماعی واقعی ما به عنوان جایگزین برخی از جنبه‌های آن عمل می‌کند.

فضای سبیرنتیک در شهر اما جنبه دیگری نیز به خود می‌گیرد و به دلیل از بین بردن بعد مسافت امکانات جدیدی را در اختیار افراد می‌گذارد. به دلیل در دسترس بودن همیشگی این فضا و عدم نیاز به تحرک و حرکت در آن برای رسیدن به فضای دلخواه، فضای سبیرنتیک نوعی فضای شهری محسوب می‌شود، بدین معنی که مطابق تجربه‌های پیشین از فضای تعاملی به طور عام و فضای شهری به طور خاص همانند یابی شده و مورد استفاده قرار می‌گیرد و در عین حال به دلیل کمبودهای خاص خود و نیاز افراد به وجه مادی یک رابطه انسانی پس از برقرار شدن ارتباط بین افراد و حاصل شدن شناخت اولیه، زمینه لازم را برای ملاقات در فضای واقعی، در فضای شهری، آماده می‌سازد. شاید بتوان گفت که فضای شهری جدید در این ارتباط دیگر ویژگی پیشین و شناخته شده قبلی خود را ندارد چرا که متأثر از فضای ذهنی افرادی است که در آن با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند، به عبارت دیگر فضای سبیرنتیک علاوه بر فضا بودن خود، جزء تشکیل دهنده فضای جدید می‌شود.

بر طبق یافته‌های این تحقیق تمرکز افرادی که اینترنت را به عنوان وسیله‌ای ارتباطی برگزیده‌اند در مناطق ۷، ۳، ۶ و ۲ شهر تهران است. به نظر می‌رسد آنچه فلچر در مورد کاربران اینترنت و کسانی که از فضای سبیرنتیک به عنوان وسیله‌ای ارتباطی استفاده می‌کنند، بیان می‌دارد تا حدودی در مورد کاربران اینترنت در شهر تهران نیز صادق باشد.

«اینترنت وسیله‌ای ارتباطی و فضای سبیرنتیک محیطی است که امکان تولید فضا را برای کسانی که به صورت مادی در قالبی اجتماعی فرهنگی قادر به ایجاد فضایی نبوده و یا در تولید و ساخت آن با مشکل مواجه‌اند، فراهم آورد» (Fletcher 1998: 23).

توجه به این که مناطق شهری فوق‌عموماً در برگرفته طبقه متوسط و متوسط به بالای اجتماعی بوده که به لحاظ فرهنگی فضایی مناسب برای ارتباط و تعامل فرهنگی نداشته، و یا در صورت وجود چنین مکانی امکان تحول و تغییر و ایجاد تنوع و دگرگونی در آن را ندارند، و از طرف دیگر امکانی برای تولید فضا برای دنبال کردن انتظارات و توقعات خود نمی‌یابند. از آن رو حائز اهمیت است که با وجود فضای سبیرنتیک و وجود امکان برقراری ارتباط و تعامل در آن فرصتی یافت می‌شود تا آنان بتوانند با تکیه بر این فضا و امکانات موجود در آن، انتظارات و خواسته‌های بروز نیافته خود را دنبال کنند.

مرتبط دانستن فضای سبیرنتیک به فضای شهری یک قیاس و تشبیه زبانی صرف نیست. در واقع این دو مفهوم، بیان‌کننده نوعی توسعه فرهنگی و نیاز اجتماعی درهم تافته است. فضای سبیرنتیک در پیرامون حیطه اجتماعی فضای شهری و تحلیل اجتماعی^{۱۱} (Social imaginary) "تولید" و "ساخته" شده است. توسعه فضای سبیرنتیک صرفاً بر اساس دست‌یابی به یک سطح فنی - اقتصادی از توسعه اجتماعی نیست بلکه نیاز به بیان نوعی تحلیل اجتماعی از آنچه آن را فضای ذهنی افراد می‌توان خواند، دارد. فضای ذهنی به واسطه ادبیات، اسطوره‌ها، علم، دین، زبان و سطح گفتمان شکل گرفته و به نوبه خود به فضای سبیرنتیک شکل داده و متعاقباً "واقعیت" را همانند یابی می‌کند. آنچه بودریار در بیان "همانندها" تصویر می‌کند بر پیچیدگی این رابطه تأکید دارد.

"پیش از این در جهانی که اصول واقعی و برگرفته از واقعیت بر آن حاکم بود، تخیل عذر و بهانه‌ای برای دور شدن از آن به شمار می‌رفت. امروز، واقعیت، خود به صورت عذر و بهانه‌ای برای دور شدن از مدل‌ها و الگوها در آمده است، دور شدن از الگوها و مدل‌ها که اکنون با اصول همانند یابی و تشابه کنترل می‌شوند. و شگفت آن که این واقعیت است که اتویایی حقیقی ما شده است. اما اتویایی که دیگر در حوزه مکان وجود ندارد. اتو پیایی که تنها می‌توان رویای آن را به گونه رویای یک گم شده دید" (Baudrillard, 1994, pp.122-123).

با این همه اعمال و رفتارهای واقع شده در فضای سبیرنتیک را نمی‌توان به مثابه بازنمودیک حیطه کلی معنی دار تعبیر کرد، و در عین حال نمی‌توان آن را فضایی واحد و مجزا تصور کرد، بلکه باید قرائنی خاص، دقیق و "ناحیه‌ای" (regional) داشت. بافت فضای سبیرنتیک به واسطه تنوع فرهنگ انسانی و آنچه به شکل اجتماعی به وجود می‌آید شکل می‌گیرد. از این رو توجه به بعد فرهنگی در زندگی کسانی که در شکل‌گیری آن فضا دخالت دارند، برای هر گونه بررسی و تحلیل بر آن، ضروری به نظر می‌رسد.

¹² social imaginary

جدول ۱: نسبت جنسی در جامعه آماری

جنس	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
زن	۸۶	۵۵/۱	۵۵/۱
مرد	۷۰	۴۴/۹	۱۰۰
مجموع	۱۵۶	۱۰۰	

جدول ۲: ترکیب سنی جامعه آماری

سن	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
۱۸	۷	۴/۵	۴/۵
۱۹	۱۲	۸/۳	۱۲/۸
۲۰	۱۱	۷/۱	۱۹/۹
۲۱	۹	۵/۸	۲۵/۶
۲۲	۱۵	۹/۶	۳۵/۳
۲۳	۱۱	۷/۱	۴۲/۳
۲۴	۱۴	۹/۰	۵۱/۳
۲۵	۵	۳/۲	۵۴/۵
۲۶	۱۵	۹/۶	۶۴/۱
۲۷	۱۰	۶/۴	۷۰/۵
۲۸	۸	۵/۱	۷۵/۶
۲۹	۳	۱/۹	۷۷/۶
۳۰	۴	۲/۶	۸۰/۱
۳۱	۵	۳/۲	۸۳/۳
۳۲	۵	۳/۲	۸۶/۵
۳۴	۲	۱/۳	۸۷/۸
۳۶	۵	۳/۲	۹۱/۰
۳۸	۵	۳/۲	۹۴/۲
۴۰	۲	۱/۳	۹۵/۵
۴۱	۳	۱/۹	۹۷/۴
۴۲	۱	۰/۶	۹۸/۱
۴۵	۳	۱/۹	۱۰۰
مجموع	۱۵۶	۱۰۰	

جدول ۳: میزان تحصیلات افراد جامعه آماری

میزان تحصیلات	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
دیپلم	۳۹	۲۵/۰	۲۵/۰
دانشجوی کارشناسی	۴۴	۲۸/۲	۵۳/۲
کارشناس	۵۲	۳۳/۳	۸۶/۵
کارشناس ارشد	۱۴	۹/۰	۹۵/۵
پزشک	۴	۲/۶	۹۸/۱
دکتری	۳	۱/۹	۱۰۰
مجموع	۱۵۶	۱۰۰	

جدول ۴: مناطق شهرداری تهران که کاربران اینترنت جامعه آماری مورد مطالعه در آن ساکن اند

مناطق شهرداری	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
۱	۶	۳/۸	۳/۸
۲	۵۱	۳۲/۷	۳۶/۵
۳	۲۲	۱۴/۱	۵۰/۶
۴	۶	۳/۸	۵۴/۵
۵	۱	۰/۶	۵۵/۱
۶	۳۶	۳۳/۱	۷۸/۲
۷	۱۳	۸/۲	۸۶/۵
۹	۵	۳/۲	۸۹/۷
۱۱	۱۱	۷/۱	۹۶/۸
۱۴	۴	۲/۶	۹۹/۴
۱۵	۱	۰/۶	۱۰۰
مجموع	۱۵۶	۱۰۰	

جدول ۵: حداقل و حداکثر هزینه هفتگی ارتباط با اینترنت در جامعه آماری

حداقل و حداکثر هزینه ی هفتگی	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
اظهار نکرده	۸	۵/۱	۵/۱
۱-۲ هزار تومان	۲	۱/۳	۶/۴
۳-۴ هزار تومان	۳۱	۱۹/۹	۲۶/۳
۴-۵ هزار تومان	۳۸	۲۴/۴	۵۰/۶
۵-۶ هزار تومان	۲۴	۱۵/۴	۶۶/۰
۶-۷ هزار تومان	۳۰	۱۹/۲	۸۵/۳
۱۰ تا ۱۵ هزار تومان	۴	۲/۶	۸۷/۹
۱۵ تا ۲۰ هزار تومان	۸	۵/۱	۹۳
مجانی	۱۱	۷/۱	۱۰۰
مجموع	۱۵۶	۱۰۰	

جدول ۶: امکاناتی که اطلاع رسانیان جامعه آماری از آن برای برقراری ارتباط بهره می‌گیرند

امکانات مورد استفاده	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
اتاق‌های گپ زنی پست‌الکترونیکی	۸۰	۵۱/۳	۵۱/۳
اتاق‌های گپ زنی، پیغام رسانی و پست الکترونیکی	۳۳	۲۱/۲	۷۲/۵
فهرست‌های گفتگو، پیغام رسانی‌ها و پست الکترونیکی	۴	۲/۶	۷۵/۱
تمام امکانات ذکر شده در پرسش‌نامه	۳۹	۲۵	۱۰۰
مجموع	۱۵۶	۱۰۰	

جدول ۷: افرادی که با توجه به رویکرد ایجاد ارتباط در فضای سبیرنتیک به منظور جبران آنچه در فضای واقعی وجود ندارد انتخاب شدند.

نام	سن	میزان تحصیلات	وضعیت تأهل	شغل	محدودی سکونت	محل انجام مصاحبه
حمید	۲۸	لیسانس (فیزیک)	مجرد	آزاد (فروشنده موبایل)	میدان ولی عصر	محل کار (خیابان جمهوری)
علیرضا	۲۴	لیسانس (فرم افزار)	مجرد	کارشناس کامپیوتر اداره ثبت احوال	آریاشهر	محل کار (خیابان ولی عصر، توانیر)
سهیلا	۲۳	لیسانس (ریاضیات کاربردی)	مجرد	معلم خصوصی ریاضیات	یوسف آباد	فرهنگسرای اشراق
محسن	۳۲	دانشجوی دکتری (محیط زیست)	مجرد	کارشناس ارشد محیط زیست	طالقانی - ویلا	محل کار (نیاوران)
نگار	۲۷	لیسانس (حسابداری)	مجرد	کارمند (وزارت بازرگانی)	فلسطین شمالی	محل کار (وزارت بازرگانی)
کیارش	۲۳	دانشجوی کارشناسی	مجرد	-	جمالزاده	کافی نت (خیابان وصال)
هژیر	۳۰	دیپلم	مجرد	برنامه نویس کامپیوتر	استاد معین	منزل پرسش شونده

• نام افراد همان اسامی است که آنان از آن در جماعت‌های مجازی استفاده می‌کنند.

جدول ۸: افرادی که با توجه به رویکرد ایجاد ارتباط در فضای سبیرنتیک به عنوان فضای مکمل فضای واقعی انتخاب شدند

نام	سن	میزان تحصیلات	وضعیت تاهل	شغل	محدوده سکونت	محل انجام مصاحبه
مهین	۳۲	لیسانس (مدیریت عمران)	متاهل	مهندس ناظر اداره فنی بانک تجارت	لویزان	محل کار (خیابان طالقانی)
قهرمان	۳۱	دیپلم (تجربی)	متاهل	صاحب فروشگاه لوازم ورزشی	چردن	محل کار (فروشگاه لوازم ورزشی چردن)
سوسن	۳۸	دکتر علوم آزمایشگاهی	متاهل	مدیر فنی آزمایشگاه تشخیص طبی	یوسف آباد	محل کار پرسشگر
فریبا	۲۶	لیسانس (ادبیات فارسی)	متاهل	خانه دار	فرشته	محل کار همسر مجتمع تجاری گلستان شهرک غرب
نوشین	۲۵	دیپلم (تجربی)	متاهل (جداً از همسر زندگی می‌کند)	خانه دار	تجربیش نمایشگاه	محل کار پدر اتومبیل شریعی
همایون	۲۰	لیسانی (مهندسی راه و ساختمان)	مجرد (متارکه کرده)	مهندس شرکت سازه	شهرک غرب	محل کار موقت شرکت فاراب (خیابان ولی عصر)
ظفر	۳۸	لیسانس (مخابرات) دانشکده افسری سپاه	متاهل	فرمانده بخش مخابرات	افسریه	محل کار موقت شرکت فاراب (خیابان ولی عصر)
آذر	۴۰	فوق لیسانس (زبان شناسی)	مجرد (بیوه)	کارمند پتروشیمی	پونک	محل کار پرسشگر

جدول ۹: افرادی که با توجه به رویکرد برقراری ارتباط در فضای سبیرنتیک برای خلق تجارب جدید انتخاب شدند

نام	سن	میزان تحصیلات	وضعیت تاهل	شغل	محدوده سکونت	محل انجام مصاحبه
اربابزاده	۲۳	لیسانس (آمار)	مجرد	فروشنده لوازم کامپیوتر	سهروردی	محل کار (مجتمع کامپیوتر پایتخت)
حسام	۲۳	لیسانس (الکترونیک)	مجرد	افسر وظیفه	اتوبان کردستان	کافی شاپ (مجتمع تجاری ولیعصر)
Lurman	۲۳	دیپلم	مجرد	کارمند فنی Isp	خیابان ۱۵ خرداد	پارک (انتهای یوسف آباد)
احسان	۲۱	دانشجو (کامپیوتر)	مجرد	دانشجو	ونک	کافی نت (خیابان آفریقا)
سحر	۲۲	دانشجو (حسابداری)	مجرد	دانشجو	آریاشهر	محل دانشکده مدیریت

محل کار (انستیتو سهیل کریمخان)	میدان محسنی	معلم	مجرد	دیپلم زبان انگلیسی	۲۴	آتوسا
محل کار (شرکت تبلیغاتی نور میرداماد)	گیشا	گرافیت شرکت تبلیغاتی	مجرد	لیسانس (ارتباطات)	۲۳	الهام

جدول ۱۰: افرادی که با توجه به رویکرد برقراری ارتباط در فضای سبیرنتیک بر اساس تجارب پیشین در فضای واقعی انتخاب شدند

نام	سن	میزان تحصیلات	وضعیت تأهل	شغل	محدوده سکونت	محل انجام مصاحبه
سعید	۲۶	لیسانس (مکانیک)	مجرد	مدیر فروشگاه لوازم صوتی	خیابان جمهوری	محل کار (خیابان جمهوری)
شهلا	۳۱	لیسانس (روانشناسی)	مجرد	مشاور کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان	خیابان رسالت	محل کار (خیابان حجاب)
اشکان	۲۶	لیسانس (تاریخ)	مجرد	مدیر شرکت کاسپیوتری	شهرک غرب	محل کار (خیابان میرداماد)
اهریمن	۲۸	فوق لیسانس (ادبیات فرانسه)	مجرد	مترجم در دارالترجمه	سعادت آباد	محل کار (خیابان مطهری)
امیرخان	۲۸	لیسانس (مدیریت)	مجرد	کارمند مرکز آمار	میدان گل‌ها	محل کار (خیابان فاطمی)
مهتاب	۲۹	لیسانس (عکاسی)	مجرد	مدیر کافی نت	کامرانیه	محل کار (خیابان آفریقا)
مژگان	۲۷	فوق لیسانس (ادبیات فرانسه)	مجرد	معلم زبان فرانسه	ولنجک	محل کار پرسشگر
سپهر	۲۹	پزشک عمومی	مجرد	پزشک درمانگاه سلمان فارسی	توانیر	محل کار (خیابان شرعی)

منابع:

- Benko, Georges and Stroohmayer, Ulf (eds.), 1997, *Space and Social Theory: Interpreting Modernity and Postmodernity*, Oxford & Mass, Blackwell.
- Baudrillard, Jean, 1993, *Simulations*, New York, Semiotext(e).
- _____, 1988, *The Ecstasy of Communication*, New York, Semiotext (e).
- _____, 1993, *The Transparency of Evil*, New York, Verso.
- Benedikt, Michael, ed. 1993, *Cyberspace: First Steps*, Cambridge, Massachusetts, The MIT Press.
- Blyth, Derek, 1998, *The American Express Guide to Berlin* Mitchell Beazley, London.

- Bonnet, Alastair, 1992, Art, Ideology, and Everyday Space: subversive tendencies from Dada to postmodernism, in **Society and Space**, vol. 10: 69-86.
- _____, 1989, Situationism, geography, and post – structuralism in **Society and Space**, vol. 7: 131-146.
- _____, 1996, The Transgressive Geographies of Daily Life”, in **Transgressions**, A Journal of Urban Exploration, London, vol.2/3, pages 20- 26.
- Burger, P. & Luckman, T., 1966, **The Social Construction of Reality: A Treatise in the Sociology of Knowledge**, NY: Doubleday, Garden City.
- Harvey, David, 1985, **The Urban Experience** Oxford, Blackwell.
- De Certeau, Michel, 1994, **The Practice of Everyday Life**, Los Angeles University of California Press.
- Debord, Guy, 1983, **Society of the Spectacle**, Black & Red, Detroit.
- _____, “Two Accounts of the Derive” in **Theory of the Derive and Other Situationist Writings on the City**, Situationist International Website.
- Denis Cosgrove, Stephen Daniels (eds), 1988, **The Iconography of Landscape**, Cambridge, Cambridge University Press.
- Duncan, Nancy (ed), 1997, **Body Space**, London & New York, Routledge.
- Ellin, Nan (ed), 1997, **Architecture of Fear**, New York, Princeton Architectural Press.
- Garfinkel, H. 1967, **Studies in Ethnomethodology**, NJ: Englewood Cliffs, Prentice – Hall.
- Gilles Deleuze & Felix Guattari, 1983, **On the Line**, New York, Semiotext(e).
- Goldberg, Rose, 1988, **Performance Art: From Futurism to the Present**, London, Thames and Hudson.
- Clifford, James, 1986, **Writing Culture: The Poetics and Politics of Ethnography**, Berkeley, University of California Press.
- Duncan, James & David Ley (eds.), 1998, **Place / Culture/Representation**, London & New York, Routledge.
- Jacobs, Jane, 1961, **The Death and Life of Great American Cities**, New York, Random House.
- Keith, M, & Pile, S., 1993, **Place and the Politics of Identity**, London, Routledge.
- Knabb, Ken (ed), 1981, **Situationist International Anthology**, Berkeley, Calif., Bureau of Public Secrets.
- Lefebvre, Hanri, 1991, **Critique of Everyday Life**, Vol. 1, London, Verso.
- _____, 1991, **The Production of Space**, Oxford and Cambridge Mass. Blackwell.
- Merleau-Ponty, Maurice, 1962, **The Phenomenology of Perception**, London, Routledge.
- De Certeau, Michel, 1984, **The Practice of Everyday Life**, Berkeley, University of California Press.
- Davies, Mike, 1990, **City of Quartz**, London, Verso.
- Pallasmaa, J., 1996, **The Eyes of the Skin: Architecture and the Senses**, London, Academy Edition.
- Perks, Robert and Thomso, Alistair (eds), 1998, London and New York, **The Oral History Reader**, Routledge.
- Rojek, Chris and Urry, John, 1997, **Touring Cultures: Transformation of Travel and Theory**, London & New York, Routledge.
- Sibley, David, 1995, **Geographies of Exclusion**, New York & London, Routledge.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی